

چارچوب تحلیلی و راهبردهای توسعه اقتصادی مناطق مرزی (مورد مطالعه: استان ایلام)

فاطمه هواس بیگی^{۱*}، کیومرث شهبازی^{۲**}، سیدجمال الدین محسنی زنوزی^۳، حشمت‌اله عسگری^۴

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد شهری و منطقه‌ای، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، آذربایجان غربی، ایران

۲. استاد گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، آذربایجان غربی، ایران

۳. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، آذربایجان غربی، ایران

۴. استاد گروه اقتصاد، پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: 1405-04-11

تاریخ بازنگری: 1405-07-12

تاریخ پذیرش: 1405-07-13

چکیده

توسعه اقتصادی مناطق مرزی به دلیل هم‌زمانی ظرفیت‌های سرزمینی، جریان‌های فرامرزی و محدودیت‌های نهادی و زیرساختی، فرآیندی پیچیده و چندسطحی است. در این مناطق، مجاورت با مرز لزوماً به توسعه اقتصادی منجر نمی‌شود و چگونگی پیوند ظرفیت‌های محلی با شبکه‌های داخلی و فرامرزی و ظرفیت حکمرانی در تحقق منافع مرزی اهمیت دارد. استان ایلام با برخورداری از مرز مشترک با عراق و قرارگیری محور ایلام-مهران-دهلران در پیوندهای اقتصادی و ارتباطی ایران و عراق، نمونه‌ای قابل توجه برای بررسی این مسئله است. پژوهش حاضر با هدف ارائه یک چارچوب تحلیلی چندمقیاسی و رابطه‌ای برای توسعه اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام انجام شد. عوامل مرتبط با توسعه اقتصادی با استفاده از مطالعات نظری، اسناد مرتبط و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان استخراج و پس از پالایش در فرایند دلفی، بر اساس دیدگاه و اجماع خبرگان، در قالب چهار مؤلفه نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید شناسایی و طبقه‌بندی شدند. یافته‌ها نشان داد توسعه اقتصادی منطقه حاصل تعامل میان ظرفیت‌ها و محدودیت‌های داخلی، جایگاه منطقه در شبکه‌های داخلی و فرامرزی، ظرفیت ارتباط با اقتصاد عراق و توان نهادی و حکمرانی است. همچنین، نتایج ارزیابی عوامل داخلی و خارجی نشان داد در شرایط مورد مطالعه، جهت‌گیری WO نقطه شروع مناسب‌تری برای مداخله است، بدون آنکه سایر جهت‌گیری‌های راهبردی منتفی شوند. بر این اساس، چارچوب پیشنهادی بر تقویت حکمرانی، کاهش محدودیت‌های داخلی، ارتقای اتصال، تعمیق زنجیره‌های ارزش و افزایش ظرفیت جذب منافع جریان‌های فرامرزی تأکید دارد.

واژگان کلیدی: استان ایلام، تحلیل SWOT، توسعه اقتصادی، راهبردهای محافظه‌کارانه، مدیریت یکپارچه مرزی، مناطق مرزی.

*. مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول می‌باشد

** نویسنده مسئول: k.shahbazi@urmia.ac.ir

۱. مقدمه

مناطق مرزی در نگاه سنتی غالباً به صورت حاشیه‌های دور از مرکز، خطوط دفاعی یا قلمروهایی با محدودیت‌های امنیتی در نظر گرفته شده‌اند؛ اما در ادبیات جدید، مرز صرفاً خطی برای جداسازی دو حاکمیت نیست، بلکه نهادی فضایی است که به‌طور هم‌زمان جریان کالا، سرمایه، نیروی کار، اطلاعات و خدمات را محدود، گزینش یا تسهیل می‌کند. از این منظر، منطقه مرزی فضایی رابطه‌ای است که وضعیت اقتصادی آن نه فقط از فاصله با مرکز ملی، بلکه از نوع مرز، میزان نفوذپذیری آن، تفاوت‌های اقتصادی و نهادی دو سوی مرز، کیفیت اتصال به شبکه‌های داخلی و فرامرزی و ظرفیت حکمرانی چندسطحی تأثیر می‌پذیرد (Taubenböck et al, 2023). بررسی جهانی مناطق مرزی نیز نشان می‌دهد که این مناطق از نظر درجه بازبودن مرز، نابرابری اقتصادی و سیاسی دو سوی آن و پویایی جمعیت و سکونتگاه‌ها بسیار ناهمگن‌اند؛ بنابراین نمی‌توان همه آنها را با یک الگوی ثابت «مرکز - پیرامون» و با فرض محرومیت مناطق پیرامونی تبیین کرد (Anderson and O'Dowd, 1999; Paul et al, 2026; Taubenböck et al, 2023).

با وجود ناهمگنی مناطق مرزی، توسعه اقتصادی آنها با مجموعه‌ای از ویژگی‌های ساختاری مشترک مواجه است. مرز با ایجاد گسست در بازار، مقررات، مالیات، رویه‌های گمرکی و زیرساخت‌ها، هزینه مبادله را افزایش داده و حوزه بازار بنگاه‌های محلی را محدود می‌کند. دوری از کانون‌های سرمایه و خدمات تخصصی نیز آثار تجمعی مرکز-پیرامون را تشدید کرده و مهاجرت نیروی انسانی ماهر را در پی دارد. تفاوت قیمت‌ها، دستمزدها، تقاضا و مقررات در دو سوی مرز، در صورت وجود زیرساخت و نهادهای مناسب، می‌تواند به مزیت تبدیل شده و تجارت، گردشگری، خدمات و زنجیره‌های ارزش فرامرزی را تحریک کند. اقتصادهای مرزی همچنین نسبت به بسته‌شدن گذرگاه‌ها، تنش‌های سیاسی، بحران‌های امنیتی و اختلال‌های تجاری حساس‌ترند و همین امر ضرورت تنوع‌بخشی و سازوکارهای تاب‌آوری را برجسته می‌کند (Hippe et al, 2024; OECD, 2024; Sohn, 2014). بر این اساس، توسعه اقتصادی را نمی‌توان به فهرست ظرفیت‌های بالفعل نشده تقلیل داد؛ بلکه باید سازوکار تبدیل ظرفیت‌های سرزمینی به اشتغال پایدار، بهره‌وری و سرمایه‌گذاری خصوصی را توضیح داد. ادبیات سیاست‌گذاری مکان‌محور نیز بر همین تمایز تأکید دارد و توسعه پایدار را وابسته به شناخت دارایی‌های محلی، شکست‌های بازار، موانع نهادی و هماهنگی میان سطوح حکومت می‌داند (OECD, 2025).

در ایران، تمرکز تاریخی فعالیت‌ها و زیرساخت‌ها در مناطق مرکزی، در کنار برخی رویکردهای امنیت‌محور در مدیریت مرز، از عوامل مؤثر بر تداوم تفاوت‌های توسعه‌ای میان استان‌های مرزی و نواحی مرکزی بوده است. ارزیابی تطبیقی نشان می‌دهد که موانع توسعه فقط اقتصادی نیستند، بلکه با ضعف زیرساخت‌ها، نابرابری دسترسی به خدمات، ظرفیت محدود نهادی و تمرکز تصمیم‌گیری ارتباط دارند (Mousavi et al., 2024). مطالعات داخلی نیز نشان داده‌اند که بازارچه مرزی، گذرگاه رسمی یا منابع طبیعی تنها زمانی آثار پایدار دارند که با پیوندهای تولیدی محلی، نظام مالی و زیرساخت حمل‌ونقل همراه شوند (Badri et al; 2018; Ghadimi et al, 2023; Mirzaee et al, 2023).

استان ایلام نمونه‌ای مناسب برای مطالعه این مسئله است؛ زیرا موقعیت مرزی آن مجموعه‌ای از فرصت‌ها و محدودیت‌ها را هم‌زمان ایجاد کرده است. این استان در غرب کشور قرار دارد و حدود ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک با عراق دارد. مرز بین‌المللی مهران، پیوندهای فرهنگی با عراق، جریان‌های تجاری و گردشگری مذهبی، منابع نفت و گاز و اراضی کشاورزی از مهم‌ترین دارایی‌ها هستند. در مقابل، ضعف شبکه‌های حمل‌ونقل، کمبود سرمایه‌گذاری خصوصی، بیکاری، مهاجرت نیروی انسانی و حساسیت به تحولات عراق، تبدیل این دارایی‌ها به توسعه پایدار را دشوار کرده است (Amanpour and Mohammadi, 2021; Piri, 2020; Omidi, 2022; Mohammadpanahi et al, 2023; Yeganeh et al, 2023).

قلمرو عملیاتی مطالعه، شبکه عملکردی ایلام-مهران-دهلران است. مهران و دهلران کانون‌های اصلی تماس با عراق اند و ایلام به‌عنوان مرکز اداری و خدماتی، حلقه اتصال این کانون‌ها به شبکه ملی محسوب می‌شود. بنابراین، ایلام در این تعریف نه یک «شهر مرزی بلافصل»، بلکه جزء داخلی و سازمان‌دهنده یک منطقه مرزی عملکردی است. این تعریف با سند آمایش استان نیز سازگار است که محورهای ایلام-مهران و ایلام-دهلران را در ارتباط با شبکه‌های توسعه و تعاملات اقتصادی با عراق مورد توجه قرار داده است. (Supreme Council of Land Planning, 2020; Statistical Yearbook of Ilam Province, 2023).

اهمیت این تعریف در آن است که توسعه مرزی فقط در نقطه عبور یا محدوده گمرک رخ نمی‌دهد. اگر جریان کالا و مسافر از مرز عبور کند اما خدمات مالی، گردشگری و سرمایه‌گذاری در شبکه محلی تثبیت نشود، منطقه سهم اندکی از ارزش ایجاد شده خواهد داشت. برعکس، پیوند میان گذرگاه‌ها و ظرفیت‌های تولیدی شهرستان‌ها و خدمات تخصصی شهر ایلام می‌تواند اقتصاد عبوری را به اقتصاد شبکه‌ای و ارزش‌آفرین تبدیل کند. اسناد آمایش استان نیز به منطقه آزاد مهران، پارک لجستیک، بندر خشک دهلران و اتصال ریلی اشاره کرده‌اند؛ بالاین‌حال، میزان تحقق این جهت‌گیری‌ها و ظرفیت اجرایی لازم برای تبدیل آنها به دستاوردهای اقتصادی همچنان نیازمند بررسی است (Supreme Council of Land Planning, 2020).

مرور مطالعات مرتبط با ایلام نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین ابعاد مهمی مانند نابرابری فضایی، موقعیت راهبردی مرز و پیشران‌های توسعه منطقه‌ای را بررسی کرده‌اند (Amanpour and Mohammadi, 2021; Piri, 2020; Darabi and Fani, 2021; Omid, 2022; Mohammadpanahi et al, 2023; Yeganeh et al, 2023). با این حال، سه خلأ همچنان باقی مانده است: فقدان تمایز تحلیلی میان سطوح مختلف مرز، عدم پیوند ویژگی‌های عام اقتصادهای مرزی با وضعیت خاص ایلام و محدودیت در تبیین روابط علی میان ساختار فضایی، ظرفیت نهادی و پیامدهای اقتصادی. در چنین بستری، پرسش‌هایی مطرح می‌شود: مهم‌ترین عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر توسعه اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام بر اساس دیدگاه و اجماع خبرگان، در قالب نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها چیست؟ بر اساس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی موقعیت راهبردی توسعه اقتصادی محور ایلام-مهران-دهلران چگونه قابل تبیین است؟ و با توجه به این عوامل، چه چارچوبی برای جهت‌دهی به توسعه اقتصادی این محور قابل صورت‌بندی است؟

در پاسخ به خلأهای مذکور، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی زمینه‌محور و تلفیقی، سه مسیر مکمل را دنبال می‌کند. نخست، برای پاسخ به خلأ مربوط به فقدان تمایز تحلیلی میان سطوح مختلف مرز، تمرکز پژوهش بر محور مشخص ایلام-مهران-دهلران قرار گرفته است تا ویژگی‌های فضایی، اقتصادی، تجاری، زیرساختی و نهادی این محور به‌صورت مستقل از گزاره‌های کلی درباره اقتصادهای مرزی مورد بررسی قرار گیرد. دوم، در پاسخ به محدودیت مربوط به تعمیم ویژگی‌های عام اقتصادهای مرزی به شرایط خاص ایلام، عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی نه به‌صورت پیشینی، بلکه از طریق تحلیل مضمون داده‌های کیفی و سپس پالایش و اعتبارسنجی آنها در فرایند دلفی و بر اساس اجماع خبرگان آشنا با منطقه شناسایی شده‌اند؛ بدین ترتیب، عوامل نهایی شده از شرایط واقعی و ویژگی‌های خاص منطقه مورد مطالعه برآمده‌اند. سوم، با توجه به محدودیت مطالعات پیشین در تبیین ارتباط میان ساختار فضایی، ظرفیت نهادی و پیامدهای اقتصادی، پژوهش حاضر به جای ادعای آزمون روابط علی، این ابعاد را در قالب راهبردی یکپارچه به یکدیگر پیوند می‌دهد و از طریق طبقه‌بندی عوامل در چارچوب SWOT و ارزیابی کمی آنها در ماتریس‌های IFE و EFE، امکان سنجش هم‌زمان ظرفیت‌ها و محدودیت‌های داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی را فراهم می‌کند. در ادامه، این ارزیابی مبنای صورت‌بندی چارچوب راهبردی توسعه اقتصادی محور ایلام-مهران-دهلران قرار می‌گیرد.

بر این اساس، پژوهش حاضر با تمرکز بر محور عملکردی ایلام-مهران-دهلران، با هدف صورت‌بندی یک چارچوب تحلیلی زمینه‌محور برای تبیین مسیرهای توسعه اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام انجام شده است. این چارچوب، توسعه اقتصادی را حاصل تعامل میان دارایی‌ها و محدودیت‌های سرزمینی، جایگاه منطقه در شبکه‌های داخلی و فرامرزی، پیوندهای اقتصادی با عراق و ظرفیت‌های نهادی و حکمرانی می‌داند و مرز را به‌طور هم‌زمان به‌عنوان محدودیت و ظرفیت توسعه در نظر می‌گیرد. این چارچوب، عوامل شناسایی شده را در قالب یک نظام راهبردی منسجم سازماندهی می‌کند تا سازوکار فعال‌شدن ظرفیت‌های مرزی و تقویت ظرفیت‌های نهادی و تاب‌آوری منطقه تبیین شود. تمرکز پژوهش نه بر ارائه مجموعه‌ای ثابت از راهبردهای اجرایی، بلکه بر ایجاد چارچوبی است که ضمن بازتاب ویژگی‌های سرزمینی، نهادی و ژئوپلیتیکی محور مورد مطالعه، بتواند مبنایی برای تحلیل و بازتنظیم سیاست‌های توسعه در سایر مناطق مرزی متناسب با شرایط خاص آنها فراهم آورد.

۲. مبانی نظری

توسعه اقتصادی مناطق مرزی پدیده‌ای چندبعدی و پیچیده است که نمی‌توان آن را صرفاً با تکیه بر مجاورت جغرافیایی یا فهرست ظرفیت‌های محلی تبیین کرد. مرز در ادبیات جدید نهادی فضایی و رابطه‌ای است که جریان‌های اقتصادی و اجتماعی را محدود، گزینش یا تسهیل می‌کند و آثار آن به میزان نفوذپذیری، کیفیت اتصال و ظرفیت حکمرانی وابسته است. بر این اساس، فهم توسعه اقتصادی محور ایلام-مهران-دهلران مستلزم حرکت از نگاه‌های تک‌مقیاسی و توصیفی به سوی چارچوبی است که سطوح مختلف فضایی (از خط بین‌المللی تا کانون‌های تماس مستقیم، کانون پشتیبان داخلی و مقیاس استان) و سازوکارهای عمومی اقتصادهای مرزی را هم‌زمان در نظر بگیرد. در ادامه، مبانی نظری در شش بخش تنظیم شده است که از تعریف چندمقیاسی و عملکردی منطقه مرزی آغاز می‌شود و سپس به وجوه ساختاری توسعه اقتصادی، رهیافت‌های نظری مکمل، ویژگی‌های خاص محور ایلام-مهران-دهلران، ارتباط میان وجوه عمومی و شرایط خاص منطقه و در نهایت چارچوب تحلیلی پژوهش می‌پردازد. این بخش‌ها در پیوند با یکدیگر، زمینه مفهومی لازم برای شناسایی عوامل داخلی و خارجی، تفسیر یافته‌های SWOT و صورت‌بندی چارچوب پیشنهادی توسعه اقتصادی منطقه را فراهم می‌آورند.

۲.۱. منطقه مرزی به مثابه قلمروی چندمقیاسی و عملکردی

تمایز میان مرز، نوار مرزی، شهر یا شهرستان مرزی، منطقه مرزی عملکردی و استان مرزی برای تدوین مبانی نظری ضروری است. مرز بین‌المللی خط اعمال حاکمیت است؛ نوار مرزی قلمرو بلافصل مجاور آن با محدودیت‌های امنیتی یا زیست‌محیطی؛ شهر یا شهرستان مرزی واحدی است که تماس مستقیم با مرز دارد؛ منطقه مرزی عملکردی مجموعه‌ای از سکونتگاه‌ها، زیرساخت‌ها، بنگاه‌ها و جریان‌هایی است که معیشت آنها به‌طور معنادار از مرز اثر می‌پذیرد؛ و استان مرزی مقیاس سیاست‌گذاری وسیع‌تری است که شدت مرزی‌بودن در آن یکسان نیست. بنابراین، مجاورت هندسی شرط لازم اما برای تعریف منطقه اقتصادی مرزی کافی نیست.

در تعریف عملکردی، مرز از یک خط ثابت به شبکه‌ای از روابط تبدیل می‌شود؛ ممکن است ثبت کالا در مهران، خدمات مالی در ایلام، تولید در دهلران و بازار نهایی در عراق یا استان‌های مرکزی باشد. تحلیل توسعه اقتصادی باید این زنجیره و مقیاس‌های درهم‌تنیده را ببیند. ادبیات جدید نیز مناطق مرزی را «رابط» میان نظام‌های اقتصادی و نهادی می‌داند و شدت مرزی‌بودن را نه صرفاً با فاصله خطی، بلکه با الگوی رفت‌وآمد، تجارت، تفاوت‌های نهادی و ترتیبات حکمرانی می‌سنجد (Wong Villanueva et al, 2022; OECD, 2024; Paul et al, 2026).

در پژوهش حاضر، این تمایز به تعریف پنج سطح فضایی منجر می‌شود:

جدول ۱. تمایز سطوح فضایی

سطح فضایی	تعریف و نقش	جایگاه در پژوهش
خط بین‌المللی ایران و عراق	حد حقوقی حاکمیت و محل تنظیم عبور	بستر ژئوپلیتیکی و نهادی
نوار بلافصل مرز	قلمرو دارای محدودیت‌های امنیتی، محیطی و استقرار	زمینه اثرگذار، نه واحد مستقل تحلیل
کانون‌های تماس مستقیم	مهران و دهلران و گذرگاه‌ها و فعالیت‌های وابسته	هسته اصلی اقتصاد مرزی
کانون داخلی پشتیبان	ایلام به‌عنوان مرکز اداری و خدمات برتر	حلقه سازمان‌دهنده و اتصال به شبکه ملی
استان ایلام	مقیاس آمایش، تخصیص منابع و هماهنگی بین‌بخشی	محیط سیاستی و نهادی کلان

منبع: یافته‌های تحقیق

این تعریف، رفت‌وبرگشت مبهم میان «ایلام» و «مناطق مرزی ایلام» را برطرف می‌کند. هرگاه در ادامه از «منطقه مورد مطالعه» سخن گفته می‌شود، منظور شبکه عملکردی ایلام-مهران-دهلران است؛ هرگاه از «استان» سخن می‌رود، مقیاس سیاست‌گذاری و زمینه ساختاری مورد نظر است؛ و هرگاه «کانون مرزی» به‌کار می‌رود، مهران و دهلران و قلمروهای وابسته به تماس مستقیم با عراق مدنظر قرار دارند.

۲.۲. منطق عمومی یا وجوه ساختاری توسعه اقتصادی مناطق مرزی

وجوه عمومی مناطق مرزی قوانین قطعی نیستند، بلکه سازوکارهایی تکرارشونده‌اند که اثر آنها با نوع مرز و شرایط هر منطقه تغییر می‌کند. شش سازوکار در تحلیل توسعه اقتصادی اهمیت بنیادی دارند:

نخست، «اثر مرز» است. تفاوت نظام‌های حقوقی، پولی، مالیاتی، گمرکی و اداری پیوستگی بازار را قطع کرده و هزینه و عدم‌اطمینان مبادله را افزایش می‌دهد. حتی در مرزهای باز، تفاوت استانداردها، مجوزها و شبکه حمل‌ونقل می‌تواند مانعی معادل فاصله جغرافیایی ایجاد کند. شدت این اثر به نفوذپذیری مرز، کیفیت گذرگاه، ثبات مقررات و هماهنگی نهادی وابسته است (Chirodea et al., 2024; Medeiros et al., 2021; Capello et al., 2018).

دوم، «پیرامونی‌شدن و اقتصاد تجمع» است. نظریه مرکز-پیرامون و جغرافیای اقتصادی جدید توضیح می‌دهند که بنگاه‌ها و نیروی کار ماهر در مکان‌هایی با بازار بزرگ‌تر و پیوندهای قوی‌تر متمرکز می‌شوند. مناطق مرزی دور از مرکز، به‌ویژه با ضعف زیرساخت، ممکن است در چرخه‌ای از بازار کوچک، سرمایه‌گذاری اندک و مهاجرت گرفتار شوند (Pugh and Krugman, 1991; Dubois, 2021). بااین‌حال، پیرامونی‌بودن سرنوشت محتوم نیست و بهبود اتصال یا پیوند با بازار کشور همسایه می‌تواند مزیت مکانی را تغییر دهد.

سوم، «مرز به‌مثابه منبع» است. تفاوت قیمت، دستمزد، تقاضا، زبان، فرهنگ و مقررات می‌تواند فرصت تجارت، گردشگری، خدمات تخصصی و یادگیری ایجاد کند. سون (۲۰۲۴) نشان می‌دهد مرز زمانی منبع می‌شود که بازیگران محلی بتوانند از تفاوت‌ها بهره‌برداری کرده و شبکه‌های همکاری ایجاد کنند. این مزیت خودکار نیست و بدون زیرساخت، اعتماد، اطلاعات بازار و نهادهای تسهیل‌گر، تفاوت‌ها به قاچاق یا نوسان‌های کوتاه‌مدت منجر می‌شوند، نه سرمایه‌گذاری مولد.

چهارم، «وابستگی به شبکه و مقیاس» است. اقتصاد مرزی در خلأ عمل نمی‌کند و بنگاه‌ها به بازار، تأمین‌کننده، نیروی انسانی، تأمین مالی و خدمات عمومی در داخل کشور و گاه کشور همسایه وابسته‌اند. بنابراین، موفقیت یک کانون مرزی فقط با حجم عبور از گمرک سنجیده نمی‌شود، بلکه باید میزان ماندگاری ارزش در منطقه و پیوند تولید محلی با جریان تجارت بررسی شود. حمل‌ونقل، انبارداری، گمرک و خدمات مالی اجزای یک سامانه واحدند و سرمایه‌گذاری منفرد اثر محدودی دارد (Medeiros et al., 2021; OECD, 2024).

پنجم، «حکمرانی چندسطحی و فرامرزی» است. مسائل مناطق مرزی از صلاحیت یک سازمان فراتر می‌روند؛ گمرک، امنیت، حمل‌ونقل، محیط‌زیست، شهرداری، توسعه صنعتی، گردشگری و تجارت خارجی هرکدام متولی جداگانه دارند و ناهماهنگی میان آنها هزینه مبادله را افزایش می‌دهد و اجرای راهبرد را دشوار می‌کند. حکمرانی مؤثر مستلزم معماری نهادی روشن، برنامه

مشترک، منابع پایدار، تقسیم مسئولیت، شاخص‌های پایش و مشارکت بخش خصوصی و جامعه محلی است (Wong Villanueva et al., 2022; OECD, 2024).

ششم، «آسیب‌پذیری و تاب‌آوری» است. اقتصادی که به یک گذرگاه، یک بازار یا یک منبع طبیعی وابسته باشد، در برابر شوک‌ها شکننده است. تنوع‌بخشی افقی میان کشاورزی، صنعت، خدمات، گردشگری و لجستیک و تنوع‌بخشی عمودی از طریق فرآوری و تکمیل زنجیره ارزش، دو مسیر اصلی کاهش این شکنندگی‌اند. تاب‌آوری بعد نهادی نیز دارد: داده‌های بهنگام، برنامه جایگزین، سازوکار هماهنگی بحران و امکان تعدیل سریع سیاست‌ها ظرفیت بازیابی را افزایش می‌دهد (Hippe et al., 2024).

۳.۲. رهیافت‌های نظری مکمل

مرکز-پیرامون و جغرافیای اقتصادی جدید

این رهیافت‌ها تمرکز خدمات و سرمایه در مرکز و محرومیت پیرامون را توضیح می‌دهند و برای ایلام، ضعف اتصال و فاصله از بازارهای بزرگ را برجسته می‌کنند. اما منطقه مرزی فقط پیرامون مرکز ملی نیست و مجاورت با بازار عراق می‌تواند موقعیت اقتصادی را تغییر دهد. تمرکز فعالیت در گذرگاه نیز بدون پیوندهای پسین و پیشین و ظرفیت جذب، به توسعه پایدار نمی‌انجامد. از این رو، تحلیل باید علاوه بر فاصله از مرکز، روابط دو سوی مرز و کیفیت نهادهای محلی را وارد کند. (Krugman, 1991).

مرز به مثابه مانع، فیلتر و منبع

مرز می‌تواند مانع کامل، فیلتر‌گزینی یا رابط فعال باشد و این کارکرد برای جریان‌های مختلف یکسان نیست؛ ممکن است عبور زائر تسهیل شود، اما تجارت بنگاه‌های کوچک با رویه‌های پیچیده مواجه باشد، یا مبادله رسمی رشد کند ولی دسترسی جوامع محلی به منافع آن محدود بماند. از این رو، «بازبودن مرز» باید برای هر جریان و گروه اجتماعی جداگانه سنجیده شود. مزیت مرزی زمانی پایدار است که مبادلات کوتاه‌مدت به سرمایه‌گذاری و تولید دارای ارزش افزوده تبدیل شود (Sohn, 2014; Zhang et al., 2023).

توسعه مکان‌محور، درون‌زا و سرمایه‌سرزمینی

رهیافت مکان‌محور واکنشی به سیاست‌های یکسان و بخشی است و توسعه را نتیجه تجهیز دارایی‌های ملموس و ناملموس قلمرو از جمله منابع طبیعی، موقعیت، زیرساخت، مهارت، شبکه‌های اجتماعی، هویت محلی و کیفیت نهادها می‌داند. این رهیافت به معنای خودکفایی نیست، بلکه پیوند قابلیت‌های درونی با فرصت‌های بیرونی است. دسترسی ایلام به بازار عراق زمانی مزیت است که تولیدکننده محلی بتواند کیفیت، مقیاس، بسته‌بندی، تأمین مالی و لجستیک لازم را فراهم کند. OECD (2025) چهار شرط سیاست مکان‌محور مؤثر را برجسته می‌کند: هدف‌گیری ظرفیت‌ها و موانع خاص، انسجام میان سیاست‌ها، اجرای کارآمد در مقیاس مناسب و تقویت حکمرانی چندسطحی. این چارچوب از دو خطا جلوگیری می‌کند: اتکای صرف به سرمایه‌گذاری فیزیکی و فرض کفایت ظرفیت بومی بدون حمایت نهادی. در محور ایلام-مهران-دهلران، توسعه درون‌زا باید با بازار عراق، سرمایه ملی و شبکه حمل‌ونقل کشور پیوند بخورد.

حکمرانی همکارانه و ظرفیت نهادی

راهبرد توسعه زمانی اجرایی می‌شود که متولی، منابع، زمان‌بندی، سازوکار هماهنگی و شاخص ارزیابی آن مشخص باشد. حکمرانی همکارانه بر تعامل دولت، بخش خصوصی، دانشگاه، نهادهای مدنی و جامعه محلی استوار است و در مناطق مرزی باید میان سطوح ملی، استانی و محلی و در حد امکان میان نهادهای دو سوی مرز برقرار شود. چارچوب OECD برای حکمرانی مرزی چهار بعد دارد: معماری نهادی، برنامه‌ریزی راهبردی، تأمین مالی و ارتباط‌گیری عمومی (OECD, 2024). برای ایلام، این رهیافت دو دلالت دارد: نخست، تعدد سازمان‌ها باید به تقسیم کار روشن تبدیل شود؛ در غیر این صورت پیچیدگی نهادی خود

مانع توسعه می‌شود. دوم، مشارکت نباید محدود به مدیران یا خبرگان باشد؛ اعتبار راهبردها با ترکیب شواهد آماری، نظر فعالان اقتصادی، تجربه ساکنان و ارزیابی محیطی افزایش می‌یابد.

تاب‌آوری و تنوع اقتصادی

تاب‌آوری منطقه‌ای مکمل نظریه رشد است و می‌پرسد اقتصاد محلی هنگام بسته‌شدن گذرگاه، تغییر مقررات، کاهش تقاضای عراق، بحران امنیتی، خشکسالی یا گردوغبار چگونه عمل می‌کند. از این منظر، میزان وابستگی اقتصاد محلی به منابع و بازارهای محدود، یکی از عوامل تعیین‌کننده آسیب‌پذیری آن در برابر شوک‌هاست. از این‌رو، تنوع‌بخشی اقتصادی و تعمیق زنجیره‌های ارزش به‌عنوان ابزارهای کاهش آسیب‌پذیری اهمیت می‌یابند. بنابراین راهبرد توسعه مرزی باید هم اثر آن بر رشد عادی و هم عملکرد در سناریوهای اختلال را بسنجد تا افزایش کوتاه‌مدت تردد یا صادرات به‌اشتباه معادل توسعه پایدار تلقی نشود (Hippe et al., 2024; OECD, 2024).

۴.۲. وجه تکین توسعه اقتصادی در محور ایلام-مهران-دهلران

ویژگی خاص ایلام از ترکیب چند عامل پدید می‌آید. نخست، تاریخ سیاسی و امنیتی مرز ایران و عراق و تجربه جنگ، نگاه دفاعی به نوار مرزی و الگوی استقرار جمعیت و زیرساخت را شکل داده است. دوم، پیوندهای مذهبی و فرهنگی و نقش مهران در جابه‌جایی زائر، تقاضایی بزرگ اما فصلی ایجاد می‌کند. سوم، منابع نفت و گاز و ظرفیت کشاورزی مهران و دهلران امکان توسعه تولید و صنایع پایین‌دستی را فراهم می‌کند، اما بدون زنجیره ارزش محلی ممکن است اشتغال و ارزش افزوده در خارج از منطقه تثبیت شود. چهارم، عراق بازار نزدیک کالا و خدمات ایرانی است، اما تحولات سیاسی، مقرراتی و ارزی آن منبع عدم اطمینان نیز هست. پنجم، تمرکز خدمات اداری، آموزشی و درمانی در ایلام می‌تواند نقش هماهنگ‌کننده داشته باشد، ولی در صورت ضعف اتصال، شکاف آن با کانون‌های مرزی افزایش می‌یابد.

سند آمایش استان این ترکیب را به رسمیت شناخته و برای ایلام نقش‌هایی در کشاورزی، صنایع تبدیلی، نفت و گاز، حمل‌ونقل، ترانزیت، مبادلات بازرگانی، خدمات گمرکی و گردشگری تعریف کرده است. مهران و دهلران نیز در حمل‌ونقل چندوجهی، بازرگانی، لجستیک و انرژی اولویت دارند (Supreme Council of Land Planning, 2020). بنابراین راهبرد اقتصادی باید میان بهره‌برداری از موقعیت مرزی و رعایت ملاحظات امنیتی و محیطی توازن برقرار کند.

مطالعات محلی مجموعه‌ای از موانع مرتبط را گزارش کرده‌اند: بیکاری، مهاجرت، ضعف سرمایه‌گذاری، فقدان صنایع پشتیبان، ناکافی بودن شبکه‌های حمل‌ونقل، ضعف ارتباط دانشگاه و صنعت، ناپایداری مدیریت و محدودیت فرهنگ (Piri, 2020; Omid, 2022; Yeganeh et al, 2023). این عوامل نشان می‌دهد ایلام با سه شکاف روبه‌رو است: شکاف اتصال میان منابع و بازار، شکاف جذب میان جریان‌های عبوری و اقتصاد محلی، و شکاف حکمرانی میان دستگاه‌های متعدد. بنابراین راهبردهای توسعه باید این سه شکاف را هدف قرار دهند.

۵.۲. رابطه وجوه عمومی و ویژگی‌های خاص ایلام

برای برقراری ارتباط میان سطح عام و سطح خاص، هر ویژگی ایلام باید به یک سازوکار نظری و پیامد راهبردی مرتبط شود. جدول زیر این پیوند را نشان می‌دهد.

جدول ۲. سنجش و سازوکارهای توسعه سرزمینی در مرزها

سازوکار عمومی مناطق مرزی	نمود خاص در محور ایلام-مهران- دهلران	مسئله تحلیلی	دالت راهبردی
-----------------------------	---	--------------	--------------

اثر مانع و هزینه مبادله	رویه‌های مرزی، تعدد متولیان و ناپیوستگی شبکه‌های حمل‌ونقل و خدمات	آیا زمان، هزینه و عدم اطمینان مبادله مزیت نزدیکی به عراق را خنثی می‌کند؟	یکپارچه‌سازی خدمات مرزی، پنجره واحد، تکمیل اتصال و ثبات رویه‌ها
مرز به مثابه منبع	بازار عراق، گردشگری مذهبی و تفاوت تقاضا و قیمت	چه میزان از ارزش مبادلات در منطقه باقی می‌ماند؟	توسعه خدمات و تولید صادرات گرا و افزایش ماندگاری ارزش محلی
مرکز- پیرامون و تجمع	تمرکز خدمات برتر در ایلام و ضعف برخی خدمات در کانون‌های تماس	آیا ایلام نقش پشتیبان دارد یا منابع را از مرز جذب می‌کند؟	شبکه‌سازی نقش‌های مکمل و توزیع هدفمند خدمات تخصصی
سرمایه سرزمینی و توسعه مکان محور	نفت و گاز، کشاورزی، منابع انسانی، فرهنگ و موقعیت ژئوپلیتیکی	چرا منابع به زنجیره ارزش و اشتغال پایدار تبدیل نشده‌اند؟	صنایع پایین‌دستی، فرآوری، مهارت، تأمین مالی و پیوند بنگاه‌ها
حکمرانی چندسطحی	تعدد دستگاه‌ها و وابستگی تصمیم‌ها به سطح ملی و روابط با عراق	چه نهادی مسئول هماهنگی و پایش راهبرد است؟	ساختار هماهنگی دائمی، تقسیم مسئولیت، بودجه و شاخص‌های مشترک
تاب‌آوری منطقه‌ای	وابستگی به مرز مهران، بازار عراق، جریان‌های فصلی و مخاطرات محیطی	اقتصاد در برابر بسته‌شدن مرز یا شوک تقاضا چگونه عمل می‌کند؟	تنوع‌بخشی، مسیرها و بازارهای جایگزین، سناریونویسی و مدیریت بحران

این جدول نشان می‌دهد که تکینگی ایلام در تعارض با سازوکارهای عمومی مناطق مرزی قرار ندارند، بلکه صورت محلی و مشخص فعال شدن آنها را نشان می‌دهند. برای نمونه، وابستگی به بازار عراق تجلی محلی منطق عمومی مزیت و آسیب‌پذیری مرزی است؛ تمرکز خدمات در شهر ایلام صورت خاص رابطه مرکز- پیرامون درون‌استانی است؛ و پارک لجستیک مهران و بندر خشک دهلران پاسخ‌های مکانی به مسئله عمومی اتصال و هزینه مبادله‌اند. چنین تحلیلی امکان می‌دهد نتایج مطالعه از سطح توصیف محلی فراتر رود، بدون آنکه تفاوت‌های سایر مرزهای ایران نادیده گرفته شود.

۶.۲. چارچوب تحلیلی پژوهش و دلالت آن برای تدوین راهبرد

توسعه اقتصادی منطقه مرزی حاصل تعامل چهار لایه است: ساختارهای عمومی مرزی، دارایی‌ها و محدودیت‌های محلی، جایگاه رابطه‌ای منطقه در شبکه‌های داخلی و فرامرزی، و ظرفیت نهادی. این لایه‌ها از طریق سازوکارهایی چون کاهش هزینه مبادله، تعمیق زنجیره ارزش، افزایش ظرفیت جذب، تنوع‌بخشی و تقویت حکمرانی بر پیامدهایی مانند اشتغال، درآمد، بهره‌وری، سرمایه‌گذاری و تاب‌آوری اثر می‌گذارند.

SWOT ابزار سازمان‌دهی اولیه شواهد است، اما به‌تنهایی نظریه علی یا معیار کافی برای انتخاب راهبرد نیست. ارزیابی هر راهبرد باید بر شش معیار استوار باشد: سازگاری نظری، انطباق با مقیاس مداخله، وجود متولی و منابع اجرایی، آثار توزیعی، پایداری در برابر شوک‌ها و قابلیت پایش.

دیدگاه خبرگان یکی از لایه‌های شواهد است و باید با آمارهای فضایی و اقتصادی، اسناد آمایش، شواهد کسب‌وکارها، تجربه ساکنان و مطالعات تطبیقی سنجیده شود (OECD, 2024؛ OECD, 2025).

قابلیت استفاده از این چارچوب در سایر مناطق مرزی از نوع «انتقال تحلیلی مشروط» است؛ یعنی سازوکارها و پرسش‌های تحلیلی قابل تعمیم‌اند، اما ترکیب عوامل و اولویت‌ها باید بر اساس نوع مرز، ساختار کشور همسایه، فاصله از مراکز ملی، پایه تولیدی، ترکیب جمعیت و ظرفیت نهادی هر منطقه بازتنظیم شود.

در مجموع، مبانی نظری پژوهش نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی مناطق مرزی نه حاصل ظرفیت‌های محلی به‌تنهایی و نه تابع صرف موقعیت جغرافیایی است، بلکه برآمده از تعامل چهار لایه ساختاری است: سازوکارهای عمومی اقتصادهای مرزی (اثر مانع، مرز به مثابه منبع، مرکز- پیرامون، وابستگی شبکه‌ای، حکمرانی چندسطحی و تاب‌آوری)، دارایی‌ها و محدودیت‌های محلی،

جایگاه رابطه‌ای منطقه در شبکه‌های داخلی و فرامرزی، و ظرفیت نهادی و حکمرانی. این لایه‌ها از طریق سازوکارهایی چون کاهش هزینه مبادله، تعمیق زنجیره ارزش، افزایش ظرفیت جذب منافع جریان‌های مرزی، تنوع‌بخشی و تقویت حکمرانی چندسطحی بر پیامدهای توسعه‌ای مانند اشتغال پایدار، ارزش افزوده محلی، سرمایه‌گذاری و تاب‌آوری اثر می‌گذارند. در محور ایلام-مهران-دهلران، این چارچوب امکان می‌دهد میان «عامل محلی»، «عامل شبکه‌ای» و «عامل فرامرزی» تفکیک تحلیلی برقرار شود و از تقلیل منطقه مرزی به محدوده اداری استان یا صرفاً نقطه عبور گمرک جلوگیری گردد. بر این اساس، SWOT در پژوهش حاضر نه به عنوان نظریه علی، بلکه به عنوان ابزار سازمان‌دهی شواهد و نقطه شروع برای تشخیص جهت‌گیری راهبردی (به‌ویژه اولویت نسبی راهبردهای WO) به کار گرفته می‌شود؛ در حالی که ارزیابی نهایی هر راهبرد نیازمند توجه هم‌زمان به سازگاری نظری، مقیاس مداخله، متولی اجرایی، آثار توزیعی، پایداری در برابر شوک‌ها و قابلیت پایش است. این منطق نظری، زمینه لازم برای تحلیل یافته‌های تجربی و صورت‌بندی چارچوب پیشنهادی توسعه اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام را فراهم می‌آورد.

۳. پیشینه پژوهش

پیشینه مطالعات توسعه مناطق مرزی در ایران از دهه ۱۳۸۰ به تدریج گسترش یافته و عمدتاً بر چالش‌های ساختاری، نابرابری فضایی و نقش مرز در اقتصاد منطقه‌ای تمرکز داشته است. پژوهش‌هایی مانند پرنیان و همکاران (۲۰۱۷) با رویکرد آمایش سرزمین، بر ضرورت توجه هم‌زمان به محدودیت‌های طبیعی، موقعیت جغرافیایی و ظرفیت‌های فرامرزی تأکید کرده‌اند. ریگی و همکاران (۲۰۲۰ و ۲۰۲۱) نشان داده‌اند که مرز می‌تواند موتور محرکه معیشت مرزنشینان باشد، هرچند ضعف زیرساخت‌ها و انزوای جغرافیایی همچنان مانع توسعه‌اند. پیری (۲۰۲۰) با تمرکز بر مرز ایران و عراق، موانع تعرفه‌ای، لجستیکی، امنیتی و نبود مدیریت یکپارچه را برجسته کرده است. در ادامه، مطالعاتی مانند دارابی و فنی (۲۰۲۱) عوامل پیشران توسعه منطقه‌ای ایلام را شناسایی کرده‌اند؛ امان‌پور و محمدی (۲۰۲۱) نابرابری فضایی استان را تحلیل کرده‌اند؛ و جان‌پور و همکاران (۲۰۲۱، ۲۰۲۳) پارامترهای مرزی مؤثر بر امنیت و توسعه شهرهای مرزی را سطح‌بندی کرده‌اند. در سال‌های اخیر نیز محمدپناهی و همکاران (۲۰۲۳)، میرزایی و همکاران (۲۰۲۴) و عصمت‌یار و ملک‌پور (۲۰۲۵) بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای، تغییر الگوی مرکز-پیرامون و نقش حکمروایی همکارانه در توسعه متعادل استان‌های مرزی تأکید کرده‌اند. با وجود این مطالعات، همچنان نیاز به چارچوبی یکپارچه و متناسب با شرایط خاص ایلام احساس می‌شود. در سطح بین‌المللی، پیشینه پژوهش با نظریه‌های کلاسیک مکان آغاز می‌شود. کریستالر (Christaller, 1993) با نظریه مکان مرکزی، مبنایی برای فهم موقعیت مناطق مرزی فراهم کرد. لوش (Lösch, 1940) و فریدمن (Friedman, 1996) اثرات منفی مرزهای سیاسی و الگوی مرکز-پیرامون را برجسته کردند. هانسن (Hansen, 1975, 1976, 1978) ویژگی‌های مثبت و منفی مناطق مرزی را دسته‌بندی و بر ضرورت سیاست‌های خاص مرزی تأکید کرد. در دهه‌های اخیر، تمرکز پژوهش‌ها بر تاب‌آوری، همکاری فرامرزی و توسعه پایدار افزایش یافته است. پروکولا (Prokkola, 2019) تاب‌آوری مرزهای اتحادیه اروپا را بررسی کرده؛ بوروسکایا و همکاران (Borovskaya et al, 2019) توسعه پایدار مناطق مرزی را موضوعی کلیدی دانسته؛ و ژانگ و همکاران (Zhang et al, 2023) اثر سیاست‌های باز کردن مرزها بر اقتصاد مناطق مرزی چین را تحلیل کرده است. سو و همکاران (Su et al, 2024) ویژگی‌های متمایز توسعه شهرهای مرزی-رشد سریع، بهینه‌سازی ساختار صنعتی، اقتصاد باز و همکاری فرامرزی-را تشریح کرده‌اند. پژوهش‌هایی مانند وند (Wendt, 2021)، هیپه و همکاران (Hippe et al, 2024) و موسوی (۲۰۲۴) نیز بر چالش‌های امنیتی، زیست‌محیطی و تاب‌آوری در شرایط جهانی‌شدن و همه‌گیری‌ها تمرکز داشته‌اند. با این حال، این مطالعات کمتر به مدل‌های بومی برای مناطق مرزی کشورهای در حال توسعه با شرایط ژئوپلیتیک پیچیده-مانند همسایگی با عراق و تأثیر تحریم‌ها-پرداخته‌اند.

با وجود گسترش مطالعات مربوط به توسعه مناطق مرزی، بخش قابل توجهی از ادبیات موجود، «منطقه مرزی» را در یک مقیاس واحد، مانند شهرستان مرزی، استان مرزی یا گذرگاه مرزی، مورد تحلیل قرار داده است. این در حالی است که منطقه مرزی از

نظر اقتصادی الزاماً با یک واحد اداری منطبق نیست و ممکن است جریان‌های تولید، تجارت، خدمات، حمل‌ونقل و سرمایه‌گذاری در مقیاس‌های متفاوتی شکل گیرند. از این منظر، یکی از محدودیت‌های ادبیات موجود، کم‌توجهی به پیوند میان کانون تماس مستقیم با مرز، سکونتگاه‌های پشتیبان داخلی و شبکه‌های اقتصادی و ارتباطی فرامرزی است. در مورد استان ایلام نیز مطالعات پیشین، عمدتاً بر موقعیت مرزی، نابرابری فضایی، ظرفیت‌های اقتصادی، تجارت مرزی یا پیشران‌های توسعه منطقه‌ای تمرکز داشته‌اند، اما پیوند نظام‌مند میان مرز مهران، کانون‌های تولیدی و خدماتی مهران و دهلران، مرکز خدماتی ایلام و شبکه اقتصادی متصل به عراق کمتر در قالب یک «منطقه مرزی عملکردی» صورت‌بندی شده است. از این رو، خلأ پژوهش حاضر صرفاً فقدان شناسایی عوامل توسعه نیست، بلکه فقدان یک چارچوب چندمقیاسی برای توضیح چگونگی تبدیل جریان‌های مرزی به ارزش، اشتغال و سرمایه‌گذاری در شبکه فضایی منطقه است. بر همین اساس، پژوهش حاضر منطقه مورد مطالعه را نه به‌عنوان کل استان و نه صرفاً به‌عنوان نوار مجاور خط مرز، بلکه به‌عنوان شبکه عملکردی ایلام-مهران-دهلران تعریف می‌کند که در آن هر یک از کانون‌ها بر اساس نقش متفاوت خود در نظام اقتصادی مرزی تحلیل می‌شوند.

بخش نوآوری این مطالعه در مقایسه با ادبیات توسعه مناطق مرزی ایران و جهان در سه سطح روش‌شناختی، محتوایی و کاربردی قابل توجه است. در حالی که بسیاری از تحقیقات داخلی (Piri, 2020; Mohammadpanahi et al, 2023; Mirzaei et al, 2024) عمدتاً بر تحلیل توصیفی چالش‌ها یا بررسی ابعاد منفرد اقتصادی، امنیتی یا فضایی تمرکز کرده‌اند و مطالعات بین‌المللی نیز بیشتر بر تجربیات موفق اتحادیه اروپا و چین (Su et al, 2024; Zhang et al, 2023) تکیه دارند، مرور پیشینه نشان می‌دهد که با وجود تأکید مشترک بر ظرفیت‌های مرزی، زیرساخت‌ها، حکمرانی مرزی، همکاری‌های فرامرزی و نقش مناطق ویژه اقتصادی، درباره نحوه اولویت‌بندی راهبردهای توسعه متناسب با شرایط بومی استان ایلام اجماع روشنی وجود ندارد. انتظار می‌رود یافته‌های این پژوهش در زمینه شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای توسعه اقتصادی مناطق مرزی ایلام با نتایج مطالعات پیری (۲۰۲۰)، محمدپناهی و همکاران (۲۰۲۳)، میرزایی و همکاران (۲۰۲۴)، ژانگ و همکاران (۲۰۲۳) و سو و همکاران (۲۰۲۴) همسو باشد؛ زیرا این پژوهش‌ها نیز بر اهمیت زیرساخت‌های حمل‌ونقل، مدیریت یکپارچه مرزی، همکاری‌های فرامرزی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی مناطق مرزی تأکید کرده‌اند. با این حال، وجه تمایز اصلی پژوهش حاضر در آن است که برخلاف مطالعات پیشین که عمدتاً به شناسایی چالش‌ها یا تحلیل ابعاد منفرد توسعه پرداخته‌اند، این پژوهش با ترکیب چند روش مکمل-تحلیل مضمون، تکنیک دلفی، ماتریس‌های IFE و EFE، تحلیل SWOT و ماتریس QSPM - نه تنها عوامل کلیدی توسعه اقتصادی را شناسایی می‌کند، بلکه راهبردهای توسعه را اولویت‌بندی کرده و الگویی عملیاتی متناسب با شرایط استان ایلام ارائه می‌دهد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای-کاربردی و از نظر رویکرد، آمیخته (کیفی-کمی) و با استفاده از راهبرد اکتشافی متوالی انجام شده است و با هدف شناسایی عوامل مؤثر و تدوین و اولویت‌بندی راهبردهای مناسب برای توسعه پایدار اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام طراحی شده است. فرایند پژوهش در دو فاز متوالی کیفی و کمی انجام گرفت؛ به‌گونه‌ای که یافته‌های فاز کیفی مبنای ورود عوامل به مرحله تحلیل استراتژیک کمی قرار گرفت. در فاز کیفی، عوامل و مؤلفه‌های مرتبط با توسعه اقتصادی مناطق مرزی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و بر اساس چارچوب تحلیل مضمون براون و کلارک (Braun and Clarke, 2006) استخراج و سپس با استفاده از تکنیک دلفی در سه دور متوالی غربال و نهایی شدند. مشارکت‌کنندگان این مرحله شامل خبرگان استانی ایلام، از جمله مدیران اجرایی، اعضای هیئت علمی دانشگاه ایلام و پژوهشگرانی با حداقل یک مقاله منتشرشده در حوزه توسعه اقتصادی مناطق مرزی بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و مصاحبه‌ها تا دستیابی به اشباع نظری با ۱۵ نفر ادامه یافت؛ از این تعداد، ۱۰ نفر مرد و ۵ نفر زن بودند، ۱۱ نفر کمتر از ۱۰ سال و ۴ نفر بیش از ۱۱ سال سابقه کاری داشتند و از نظر تحصیلات نیز ۴ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱۱ نفر دارای مدرک دکتری بودند. پس از تحلیل مضمون و استخراج کدها و مضامین، به منظور ارزیابی قابلیت اعتماد فرایند کدگذاری و اطمینان از ثبات و

تکرارپذیری نتایج، میزان توافق بین کدگذاران با استفاده از ضریب هولستی، ضریب پی‌اسکات، ضریب کاپای کوهن و آلفای کریپندورف بررسی شد؛ استفاده از شاخص‌های توافق بین کدگذاران از معیارهای مهم ارزیابی پایایی در تحلیل محتوا و داده‌های کیفی محسوب می‌شود (Krippendorff, 2004). در ادامه، با اجرای سه دور متوالی دلفی، عوامل استخراج‌شده از نظر اهمیت و تناسب مورد ارزیابی و بازنگری قرار گرفتند و با دستیابی به اجماع خبرگان، در نهایت ۶۲ عامل نهایی استخراج، غربالگری و در چهار دسته قوت، ضعف، فرصت و تهدید طبقه‌بندی شدند (Niederberger and Spranger, 2020).

در فاز کمی، عوامل نهایی شده در قالب پرسشنامه‌های محقق‌ساخته در اختیار جامعه آماری شامل مدیران اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام و اساتید دانشگاهی مرتبط با حوزه اقتصاد و توسعه مناطق مرزی قرار گرفت. با توجه به نامشخص بودن حجم دقیق جامعه آماری و قضاوت‌محور بودن داده‌های موردنیاز برای تکمیل ماتریس‌های ارزیابی عوامل داخلی و خارجی، از نمونه‌گیری هدفمند در میان افراد واجد شرایط و در دسترس استفاده شد و ۳۰ نفر از مدیران و اساتید به‌عنوان پاسخ‌دهندگان فاز کمی انتخاب شدند؛ این حجم نمونه با رویه رایج در پژوهش‌های راهبردی مبتنی بر قضاوت خبرگان که استفاده از حداقل ۳۰ نفر را برای دستیابی به تحلیل کمی قابل‌اعتماد توصیه می‌کند، مطابقت دارد (Roscoe, 1975). از آنجا که واحد تحلیل پژوهش «منطقه مرزی عملکردی» است، انتخاب مشارکت‌کنندگان و تفسیر عوامل نیز صرفاً بر اساس سکونت یا اشتغال در یک واحد اداری انجام نشد، بلکه میزان آشنایی و ارتباط آنان با سازوکارهای اقتصادی، مدیریتی و فضایی محور ایلام-مهران-دهلران و روابط آن با مرز عراق مورد توجه قرار گرفت؛ در این چارچوب، مهران و دهلران به‌عنوان کانون‌های تماس و فعالیت مستقیم مرزی، ایلام به‌عنوان مرکز اداری، خدماتی و پشتیبان و مرز عراق به‌عنوان بستر شکل‌گیری جریان‌های فرامرزی در نظر گرفته شدند. در مرحله تحلیل استراتژیک، به منظور ارزیابی محیط داخلی و خارجی و تعیین وضعیت استراتژیک منطقه، از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) استفاده شد؛ این دو ابزار در چارچوب تحلیل محیطی، امکان شناسایی و ارزیابی قابلیت‌های منابع، کاستی‌های داخلی، فرصت‌های محیطی و تهدیدهای خارجی را فراهم می‌کنند (Thompson et al, 2007). برای محاسبه ماتریس‌های IFE و EFE، ابتدا بر اساس قضاوت خبرگان به هر عامل داخلی و خارجی ضریب وزنی متناسب با اهمیت نسبی آن اختصاص یافت و مجموع اوزان عوامل داخلی و خارجی به‌صورت جداگانه نرمال شد؛ سپس هر عامل در مقیاس چهاردرجه‌ای ارزیابی شد، به‌گونه‌ای که در ماتریس IFE امتیازها وضعیت عامل را از ضعف عمده تا قوت عمده و در ماتریس EFE میزان پاسخ منطقه به فرصت‌ها و تهدیدها را از پاسخ ضعیف تا پاسخ عالی نشان می‌داد. با محاسبه حاصل ضرب وزن هر عامل در امتیاز آن و جمع امتیازات وزنی، امتیازات نهایی IFE و EFE در مرحله تحلیل نتایج برای تعیین موقعیت راهبردی منطقه استفاده شدند. پس از محاسبه امتیازات IFE و EFE، موقعیت راهبردی منطقه با استفاده از ماتریس IE تعیین شد و بر اساس چارچوب SWOT، چهار گروه راهبردی SO، WO، ST و WT تدوین شدند و با توجه به موقعیت استراتژیک حاصل از ماتریس IE، راهبردهای WO به‌عنوان جهت‌گیری غالب و اولویت‌دار انتخاب شدند. در نهایت، برای تعیین اولویت نسبی راهبردهای WO و کاهش اتکای فرایند انتخاب راهبرد به قضاوت صرفاً کیفی، از ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی (QSPM) استفاده شد؛ بدین منظور، وزن عوامل داخلی و خارجی حاصل از ماتریس‌های IFE و EFE در ارزیابی راهبردها به کار گرفته شد و پس از تعیین امتیاز جذابیت (AS) هر عامل نسبت به هر راهبرد، امتیاز جذابیت کل (TAS) محاسبه و راهبردهای WO بر اساس مجموع امتیازات TAS رتبه‌بندی شدند. بنابراین، فرایند روش‌شناختی پژوهش از شناسایی عوامل در فاز کیفی و اعتبارسنجی و دستیابی به اجماع خبرگان، تا ارزیابی محیط داخلی و خارجی، تعیین موقعیت استراتژیک، تدوین راهبردهای SWOT و در نهایت اولویت‌بندی راهبردهای منتخب با استفاده از QSPM، به‌صورت متوالی و یکپارچه انجام گرفت. فرایند اجرای پژوهش در هشت مرحله متوالی انجام شده است:

مرحله اول: مطالعه مبانی نظری و اسناد

در گام نخست، ادبیات نظری توسعه اقتصادی مناطق مرزی، مطالعات داخلی و خارجی، اسناد آمایش سرزمین، برنامه‌های توسعه، قوانین و اسناد مرتبط با استان ایلام بررسی شد تا چارچوب نظری اولیه پژوهش تدوین گردد.

مرحله دوم: گردآوری داده‌های کیفی

مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه توسعه مناطق مرزی، مدیران اجرایی، اعضای هیئت علمی و پژوهشگران انجام شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند ادامه یافت تا اشباع نظری حاصل شود.

مرحله سوم: تحلیل مضمون

متون مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) تحلیل شد و مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر استخراج گردید. به منظور افزایش پایایی، توافق بین کدگذاران با استفاده از ضرایب هولستی، پی‌اسکات، کاپای کوهن و آلفای کریپندورف ارزیابی شد.

مرحله چهارم: اعتبارسنجی یافته‌های کیفی

عوامل استخراج‌شده طی سه دور تکنیک دلفی در اختیار خبرگان قرار گرفت تا اجماع حاصل شود و فهرست نهایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها تدوین گردد.

مرحله پنجم: تبدیل یافته‌های کیفی به ابزار کمی

بر اساس عوامل نهایی SWOT، پرسشنامه‌های ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) و عوامل خارجی (EFE) طراحی و در اختیار مدیران و متخصصان حوزه توسعه اقتصادی مناطق مرزی قرار گرفت.

مرحله ششم: تحلیل راهبردی

پس از محاسبه امتیازهای وزنی عوامل داخلی و خارجی، جایگاه راهبردی منطقه در ماتریس IE تعیین شد و چهار گروه راهبردهای SO، WO، ST و WT استخراج گردید.

مرحله هفتم: اولویت‌بندی راهبردها

راهبردهای استخراج‌شده با استفاده از ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی (QSPM) ارزیابی و بر اساس امتیاز جذابیت کل (TAS) اولویت‌بندی شدند (Zarrabi and Mahboubfar, 2013; Meshkini et al, 2016).

مرحله هشتم: تفسیر و تدوین الگوی راهبردی

در مرحله پایانی، نتایج تحلیل‌های کیفی و کمی به صورت تلفیقی تفسیر شدند و با مبانی نظری توسعه اقتصادی مناطق مرزی، مطالعات پیشین و ویژگی‌های خاص محور ایلام-مهران-دهلران تطبیق داده شدند. خروجی این مرحله، تدوین راهبردهای نهایی و ارائه چارچوب تحلیلی قابل استفاده برای سایر مناطق مرزی با در نظر گرفتن تفاوت‌های نهادی، فضایی و اقتصادی هر منطقه بود.



شکل ۱. روند جریان پژوهش

۱.۴. محدوده مورد مطالعه

استان ایلام در غرب ایران و در پهنه زاگرس قرار دارد و از شمال و شرق با استان‌های کرمانشاه و لرستان و از جنوب با استان خوزستان هم‌مرز است. مهم‌ترین ویژگی فضایی استان در ارتباط با موضوع پژوهش، قرارگیری آن در مجاورت مرز بین‌المللی ایران و عراق است؛ به‌گونه‌ای که استان دارای حدود ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک با عراق بوده و از طریق گذرگاه‌های مرزی، به‌ویژه مرز مهران، با شبکه‌های تجاری، زیارتی و اقتصادی عراق ارتباط دارد. از نظر ساختار فضایی، محور ایلام- مهران- دهلران و ارتباط آن با مرز عراق، یکی از کانون‌های مهم مورد توجه پژوهش محسوب می‌شود. در این ساختار، مهران به‌عنوان مهم‌ترین دروازه ارتباطی استان با عراق، نقش محوری در جریان‌های تجاری، صادراتی، زیارتی و فرامرزی دارد و دهلران نیز از منظر ظرفیت‌های تولیدی، منابع و ارتباطات منطقه‌ای دارای اهمیت است. بنابراین، موقعیت استان در مجاورت مرز بین‌المللی، ارتباط آن با شبکه‌های داخلی و فرامرزی و جایگاه محور ایلام- مهران- دهلران، مبنای فضایی انتخاب این محدوده برای بررسی توسعه اقتصادی مناطق مرزی است.



شکل ۲. ساختار فضایی و شبکه عملکردی منطقه مرزی ایلام- مهران- دهران و موقعیت استان ایلام در کشور

۵. بحث و بررسی نتایج

فرایند تحلیل در این پژوهش با مطالعه مبانی نظری، پیشینه و اسناد منطقه آغاز شد تا چارچوب مفهومی اولیه و حساسیت نظری نسبت به ویژگی های مناطق مرزی، از جمله هزینه های مبادله، اتصال شبکه ای، جریان های فرامرزی، ظرفیت های سرزمینی و تاب آوری اقتصادی، ایجاد شود. با وجود این، مبانی نظری صرفاً نقش چارچوب تفسیر داشتند و منبع مستقیم استخراج کدهای مربوط به وضعیت ایلام نبودند. کدهای اولیه مستقیماً از روایت های خبرگان استخراج شدند و بیانگر ادراک و تجربه واقعی آنان از توسعه اقتصادی مناطق مرزی ایلام بودند. پس از پالایش، کدها در قالب مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر سامان دهی شدند. معیار انتخاب مضامین، ارتباط با مسئله پژوهش، قابلیت تبیین ابعاد توسعه اقتصادی مرزی و انطباق با شرایط ایلام بود. هدف تحلیل مضمون، گردآوری همه موضوعات مطرح شده نبود، بلکه ساخت مجموعه ای منسجم از عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی منطقه بود. در ادامه، عوامل استخراج شده در سه دور تکنیک دلفی در اختیار خبرگان قرار گرفت تا میزان اهمیت و تناسب آنها ارزیابی شود. عوامل فاقد اجماع یا اهمیت کافی حذف یا اصلاح شدند و مجموعه نهایی برای تحلیل راهبردی انتخاب گردید. در مرحله پایانی، عوامل نهایی در چارچوب SWOT طبقه بندی شدند. قرار گرفتن هر عامل در گروه قوت، ضعف، فرصت

یا تهدید به معنای اثبات قطعی آن ویژگی در منطقه نبود، بلکه طبقه‌بندی تحلیلی بر اساس ماهیت داخلی/خارجی و نقش آن در توسعه اقتصادی منطقه بود. با توجه به چارچوب چندمقیاسی پژوهش، عوامل شناسایی‌شده در تحلیل مضمون را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از ویژگی‌های عمومی استان ایلام تلقی کرد. این عوامل در سطوح فضایی متفاوتی از منطقه مرزی عملکردی شکل می‌گیرند و اثر آنها نیز از طریق ارتباط میان این سطوح بر توسعه اقتصادی ظاهر می‌شود. بخشی از عوامل مستقیماً به کانون تماس مرزی و عملکرد گذرگاه مهران مربوط است؛ بخشی دیگر به ظرفیت‌های تولیدی و سرزمینی دهلران و ظرفیت‌های خدماتی، اداری و تخصصی ایلام مربوط می‌شود؛ و گروهی نیز ماهیتی شبکه‌ای یا فرامرزی دارند و به کیفیت اتصال میان این کانون‌ها و ارتباط آنها با بازار و نهادهای اقتصادی عراق وابسته‌اند. بنابراین، اهمیت هر عامل نه فقط بر اساس وجود آن در یک مکان، بلکه بر اساس جایگاه آن در شبکه عملکردی منطقه و توانایی آن برای ایجاد پیوند میان جریان‌های مرزی و اقتصاد محلی ارزیابی می‌شود.

۱.۵. نتایج تحلیل مضمون

به منظور شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام، از تحلیل مضمون با رویکرد شش مرحله‌ای براون و کلارک (Braun and Clarke, 2006) استفاده شد. برای ارزیابی کیفیت تحلیل کیفی، چهار شاخص مکمل محاسبه گردید. جدول ۳ نتایج این شاخص‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۳: شاخص‌های پایایی تحلیل کیفی

شاخص	مقدار محاسبه‌شده	آستانه قابل قبول	وضعیت
ضریب هولستی (PAO)	۰/۸۸۷	$\geq ۰/۷۰$	عالی
ضریب پی-اسکات	۰/۷۵۵	$\geq ۰/۷۰$	مطلوب
شاخص کاپای کوهن	۰/۷۲۵	$\geq ۰/۶۰$	مطلوب
آلفای کرپیندروف	۰/۸۱۷	$\geq ۰/۷۰$	عالی

منبع: یافته‌های تحقیق

چهار معیار کمی برای بررسی قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، قابلیت تأیید و اطمینان‌پذیری استفاده شده است: ضریب هولستی، ضریب پی-اسکات، شاخص کاپای کوهن و آلفای کرپیندروف. میزان همبستگی دیدگاه خبرگان با محاسبه ضریب هولستی (PAO) یا «درصد توافق مشاهده‌شده» ۰/۸۸۷ بدست آمده است که مقدار قابل توجهی است. با توجه به ایراداتی که به روش هولستی وارد است شاخص پی-اسکات نیز محاسبه شده است که میزان آن ۰/۷۵۵ بدست آمده است. سومین شاخص برآورد اعتبار تحقیقات کیفی شاخص کاپای کوهن است. شاخص کاپای کوهن در این مطالعه ۰/۷۲۵ بدست آمده است. در نهایت نیز از آلفای کرپیندروف استفاده شده است و میزان آن در این مطالعه ۰/۸۱۷ برآورد گردیده است.

مضامین استخراج‌شده

فراگرد تحلیل تم زمانی آغاز می‌شود که تحلیلگر الگوهای معنایی و موضوعاتی که جذابیت بالقوه دارند را مورد نظر قرار می‌دهد. این تحلیل شامل یک رفت و برگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و مجموعه کدگذاری‌ها، و تحلیل داده‌هایی است که به وجود آمده‌اند. نگارش تحلیل از همان مرحله اول شروع می‌شود. به طور کلی هیچ راه منحصر به فردی برای شروع مطالعه در مورد تحلیل تم وجود ندارد. تحلیل تم فراگردی بازگشتی است که در آن حرکت رفت و برگشتی در بین مراحل ذکر شده وجود دارد. مراحل ششگانه تحلیل تم با رویکردی که کلارک و برون (۲۰۰۶) ارائه داده‌اند، در ادامه توضیح داده شده است.

مرحله ۱. آشنایی با داده‌ها: برای اینکه محقق با عمق و گستره محتوایی داده‌ها آشنا شود لازم است که خود را در آن‌ها تا اندازه‌ای غوطه‌ور سازد. غوطه‌ور شدن در داده‌ها معمولاً شامل "بازخوانی مکرر داده‌ها" و خواندن داده‌ها به صورت فعال (یعنی جستجوی معانی و الگوها) است.

مرحله ۲. ایجاد کدهای اولیه: مرحله دوم زمانی شروع می‌شود که محقق داده‌ها را خوانده و با آن‌ها آشنایی پیدا کرده است. این مرحله شامل ایجاد کدهای اولیه از داده‌ها است. کدها یک ویژگی داده‌ها را معرفی می‌نمایند که به نظر تحلیل‌گر جالب می‌رسد. داده‌های کدگذاری شده از واحدهای تحلیل (تم‌ها) متفاوت هستند. کدگذاری را می‌توان به صورت دستی یا از طریق برنامه‌های نرم‌افزاری انجام داد. در این پژوهش کدگذاری‌ها به صورت نرم‌افزاری انجام شد. پس از انجام مراحل شش‌گانه تحلیل مضمون، ۱۰۲ کد اولیه استخراج گردید.

مرحله ۳. جستجوی کدهای گزینشی (مضامین پایه): این مرحله شامل دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب کدهای گزینشی و مرتب کردن همه خلاصه داده‌های کدگذاری شده است. در واقع محقق، تحلیل کدهای خود را شروع کرده و در نظر می‌گیرد که چگونه کدهای مختلف می‌توانند برای ایجاد یک تم کلی ترکیب شوند. در این مرحله محققان کدهای ناقص یا نامرتب و همچنین کدهای تکراری را کنار گذاشتند تا به این تعداد کد گزینشی دست یافتند.

مرحله ۴. شکل‌گیری مضامین سازنده: مرحله چهارم زمانی شروع می‌شود که محقق مجموعه‌ای از تم‌ها را ایجاد کرده و آن‌ها را مورد بازبینی قرار می‌دهد. این مرحله شامل دو مرحله بازبینی و تصفیه و شکل‌دهی به تم‌های فرعی است. مرحله اول شامل بازبینی در سطح خلاصه‌های کدگذاری شده است. در مرحله دوم اعتبار تم‌های فرعی در رابطه با مجموعه داده‌ها در نظر گرفته می‌شود. در این مرحله محققان به مضامین سازنده دست پیدا کردند.

پس از پالایش و حذف کدهای تکراری و نامرتب، در نهایت ۶۲ مؤلفه در قالب چهار دسته اصلی (نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها) شناسایی شدند. جدول ۵ این مضامین را در چارچوب SWOT ارائه می‌دهد.

یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که در کنار ظرفیت‌های قابل توجه استان ایلام، مجموعه‌ای از محدودیت‌های ساختاری نیز وجود دارد که بهره‌گیری کامل از این ظرفیت‌ها را دشوار می‌کند. تعداد بیشتر نقاط ضعف (۲۱ مؤلفه) بر نقاط قوت (۱۴ مؤلفه) در کنار حضور ۱۵ تهدید جدی، بیانگر عمق چالش‌های ساختاری استان می‌باشد. مهم‌ترین نقاط ضعف شناسایی شده عبارتند از: فقدان مدیریت واحد تجاری، نبود مدیریت یکپارچه مرز مهران و نبود صنایع مادر. در مقابل، وجود ۱۳ فرصت محیطی به ویژه در حوزه پروژه‌های کلان ملی (اتصال ریلی سراسری، کریدور شرق-غرب) و همکاری‌های فرامرزی، یک پنجره فرصت راهبردی برای خروج از وضعیت موجود ایجاد کرده است.

۲.۵. نتایج تکنیک دلفی

در این پژوهش، منظور از اهمیت عوامل در فرایند دلفی، میزان اهمیت هر عامل از منظر نقش و تأثیر احتمالی آن در توسعه اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام، با تأکید بر محور عملکردی ایلام-مهران-دهلران و روابط اقتصادی و فرامرزی آن با عراق، بوده است. بنابراین، از خبرگان درباره اهمیت عمومی یا مستقل هر عامل سؤال نشده، بلکه از آنان خواسته شد میزان اهمیت هر یک از عوامل شناسایی شده را در ارتباط با مسئله اصلی پژوهش، یعنی توسعه اقتصادی منطقه مرزی مورد مطالعه، ارزیابی کنند. بر این اساس، طیف ارزیابی دلفی برای سنجش میزان اهمیت عوامل در این بستر مشخص طراحی شد و پاسخ خبرگان مبنای غربال و پالایش عوامل قرار گرفت.

برای محاسبه هماهنگی دیدگاه کارشناسان از ضریب توافقی کندال استفاده شده است.

جدول ۴: ضریب توافق کندال

مرحله	تعداد شاخص ورودی	شاخص‌های حذف شده	ضریب توافق کندال (W)	سطح معناداری	وضعیت اجماع
راند اول	۱۰۲	۴۰	—	—	غریبالگری اولیه
راند دوم	۶۲	۰	۰/۸۶۰	۰/۰۰۰	اجماع متوسط
راند سوم	۶۲	۰	۰/۸۸۷	۰/۰۰۰	اجماع قوی

براساس نتایج جدول ۴، ضریب توافق کندال در راند دوم دلفی برابر با ۰/۸۶۰ و در راند سوم برابر با ۰/۸۸۷ به دست آمد که افزایش میزان توافق میان خبرگان در راند سوم را نشان می‌دهد. هر دو ضریب از نظر آماری معنادار بوده‌اند. همچنین، مقایسه نتایج دو راند نشان داد که میانگین امتیازات گویه‌ها در راند سوم تغییر محسوسی نسبت به راند دوم نداشته است. بر این اساس، نتایج راند سوم به عنوان مبنای نهایی توافق خبرگان در نظر گرفته شد و عوامل تأییدشده برای مراحل بعدی تحلیل مورد استفاده قرار گرفتند.

جدول ۵: نتایج یکپارچه تحلیل مضمون، تکنیک دلفی و ارزیابی عوامل داخلی و خارجی (IFE و EFE)

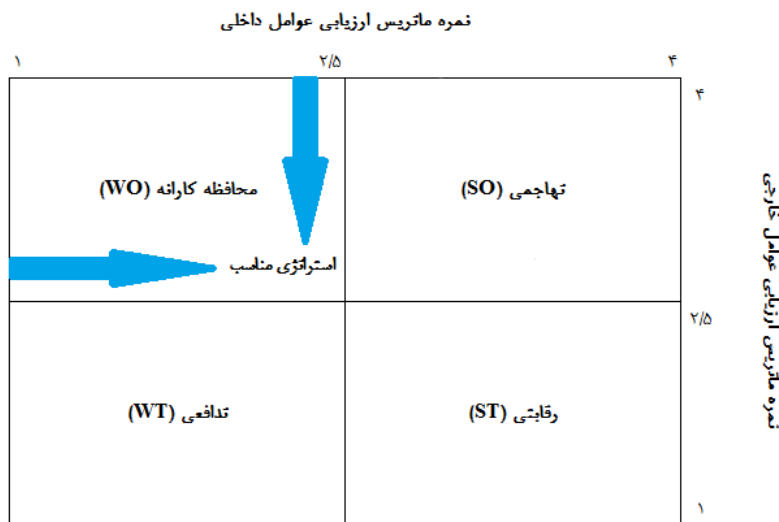
کد	مضمون اولیه (تحلیل مضمون)	مضمون سازنده	وزن (دلفی)	امتیاز (IFE/EFE)	امتیاز وزنی
(S) نقاط قوت	موقعیت مرزی برای تجارت با عراق و دسترسی به مدیترانه	نقاط قوت	۰/۰۳۵	۴	۰/۱۴
	موقعیت مرزی برای مبادلات زیارتی-سیاحتی	نقاط قوت	۰/۰۳	۴	۰/۱۲
	مرز مهران برای صادرات کالا و خدمات فنی مهندسی	نقاط قوت	۰/۰۳۵	۴	۰/۱۴
	منطقه ویژه اقتصادی مهران	نقاط قوت	۰/۰۳۵	۳	۰/۱۰۵
	قابلیت‌های گمرک بین‌المللی	نقاط قوت	۰/۰۳	۳	۰/۰۹
	پتانسیل محصولات کشاورزی صادراتی	نقاط قوت	۰/۰۳۵	۴	۰/۱۴
	منابع آب و خاک مستعد	نقاط قوت	۰/۰۳	۳	۰/۰۹
	تولید محصولات ارگانیک	نقاط قوت	۰/۰۲۵	۳	۰/۰۷۵
	منابع نفت و گاز	نقاط قوت	۰/۰۳۵	۴	۰/۱۴
	معادن کانی غیرفلزی	نقاط قوت	۰/۰۲۵	۳	۰/۰۷۵
	پتانسیل صنایع پایین‌دستی پتروشیمی	نقاط قوت	۰/۰۳۵	۴	۰/۱۴
	گردشگری طبیعی، فرهنگی و مذهبی	نقاط قوت	۰/۰۳	۳	۰/۰۹
	صنایع دستی و فرش دستباف	نقاط قوت	۰/۰۲	۳	۰/۰۶
	قابلیت جذب سرمایه‌گذاری خارجی	نقاط قوت	۰/۰۳	۳	۰/۰۹
جمع قوت‌ها					۱/۳۵۵
	فقدان مدیریت واحد تجاری	نقاط ضعف	۰/۰۴	۱	۰/۰۴
	نبود مدیریت یکپارچه مرز مهران	نقاط ضعف	۰/۰۴	۱	۰/۰۴
	تعطیلی مرز در ایام خاص	نقاط ضعف	۰/۰۳	۲	۰/۰۶
	نبود سرکنسولگری‌ها	نقاط ضعف	۰/۰۳	۱	۰/۰۳
	عدم پیگیری کنسولگری عراق در ایلام	نقاط ضعف	۰/۰۳	۱	۰/۰۳
	تعرفه دوگانه	نقاط ضعف	۰/۰۳	۲	۰/۰۶

۰/۰۶	۲	۰/۰۳	نقاط ضعف	عوارض بالاتر مرز مهران	نقاط ضعف (W)
۰/۰۶	۲	۰/۰۳	نقاط ضعف	ممنوعیت صادرات برخی کالاها	
۰/۰۳	۱	۰/۰۳	نقاط ضعف	کمبود فضای تخلیه و بارگیری	
۰/۰۵	۲	۰/۰۲۵	نقاط ضعف	مشترک بودن محوطه ترانزیت و صادرات	
۰/۰۳	۱	۰/۰۳	نقاط ضعف	کمبود تجهیزات و درب‌های گمرکی	
۰/۰۶	۲	۰/۰۳	نقاط ضعف	ناآشنایی با قوانین بازارهای خارجی	
۰/۰۶	۲	۰/۰۳	نقاط ضعف	عدم تطبیق با استانداردها	
۰/۰۶	۲	۰/۰۳	نقاط ضعف	ضعف بسته‌بندی صادراتی	
۰/۰۳۵	۱	۰/۰۳۵	نقاط ضعف	مشکلات پرداخت خارجی	
۰/۰۳۵	۱	۰/۰۳۵	نقاط ضعف	نبود ارتباطات ارزی با عراق	
۰/۰۳۵	۱	۰/۰۳۵	نقاط ضعف	نبود صنایع مادر	
۰/۰۳۵	۱	۰/۰۳۵	نقاط ضعف	نبود زنجیره تولید	
۰/۰۶	۲	۰/۰۳	نقاط ضعف	فرسودگی صنایع	
۰/۰۶	۲	۰/۰۳	نقاط ضعف	ضعف کارآفرینی	
۰/۰۶	۲	۰/۰۳	نقاط ضعف	کم‌رنگ بودن بخش خصوصی	
۰/۹۲۵		۰/۵۴۵			جمع ضعف‌ها
۲/۲۸		۱/۰۰۰			جمع نمره IFE
۰/۱۸	۴	۰/۰۴۵	فرصت‌ها	راه‌اندازی منطقه ویژه اقتصادی	فرصت‌ها (O)
۰/۱۶	۴	۰/۰۴	فرصت‌ها	ایجاد مناطق ویژه دوسویه مرزی	
۰/۱۰۵	۳	۰/۰۳۵	فرصت‌ها	ایجاد بازارچه مرزی ده‌لران	
۰/۱۲	۳	۰/۰۴	فرصت‌ها	هم‌هنگی وزارتخانه‌های ایران و عراق	
۰/۱۸	۴	۰/۰۴۵	فرصت‌ها	اتصال ریلی سراسری	
۰/۱۸	۴	۰/۰۴۵	فرصت‌ها	کریدور شرق-غرب	
۰/۱۲	۳	۰/۰۴	فرصت‌ها	توسعه راه‌های شریانی	
۰/۱۰۵	۳	۰/۰۳۵	فرصت‌ها	صادرات خدمات پزشکی	
۰/۱۶	۴	۰/۰۴	فرصت‌ها	گردشگری مسیر عتبات	
۰/۱۰۵	۳	۰/۰۳۵	فرصت‌ها	بهره‌برداری سد سیمره	
۰/۰۹	۳	۰/۰۳	فرصت‌ها	گازرسانی روستایی	
۰/۰۱۰۵	۳	۰/۰۳۵	فرصت‌ها	شبکه‌های آبرسانی کشاورزی	
۰/۰۹	۳	۰/۰۳	فرصت‌ها	الگوسازی کارآفرینان و زنان روستایی	
۱/۶		۰/۴۹۵			جمع فرصت‌ها
۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵	تهدیدها	تحریم‌ها	تهدیدها (T)
۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵	تهدیدها	بی‌ثباتی عراق	
۰/۰۸	۲	۰/۰۴	تهدیدها	تداخل امنیت و اقتصاد	
۰/۰۸	۲	۰/۰۴	تهدیدها	ریزگردها	
۰/۰۷	۲	۰/۰۳۵	تهدیدها	بیابان‌زایی	
۰/۰۷	۲	۰/۰۳۵	تهدیدها	آلودگی منابع آب	
۰/۰۸	۲	۰/۰۴	تهدیدها	کاهش اعتبارات	
۰/۰۸	۲	۰/۰۴	تهدیدها	نوسان قیمت نفت	
۰/۰۷	۲	۰/۰۳۵	تهدیدها	افت بازار بیتومین	
۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵	تهدیدها	مهاجرت جوانان	
۰/۰۴	۱	۰/۰۴	تهدیدها	رشد منفی جمعیت	
۰/۰۴	۱	۰/۰۴	تهدیدها	کاهش جمعیت فعال	

۰/۰۷	۲	۰/۰۳۵	تهدیدها	ترافیک زائران و ترانزیت	
۰/۰۷	۲	۰/۰۳۵	تهدیدها	فرسودگی راهها	
۰/۰۸	۲	۰/۰۴	تهدیدها	رقابت استان‌های همجوار	
۰/۹۳۵		۰/۵۰۵			جمع تهدیدها
۲/۵۴		۱/۰۰۰			جمع نمره EFE

منبع: یافته های تحقیق

- **مرحله ۱ (تحلیل مضمون و استخراج عوامل SWOT):** عوامل اولیه از مصاحبه‌های خبرگان و تحلیل مضمون (با رویکرد براون و کلارک) استخراج شدند. در این جدول، مضمون اولیه و سازنده هر عامل مشخص شده و عوامل به چهار دسته نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها تقسیم شده‌اند. این جدول پایه‌ای برای همه تحلیل‌های بعدی بود و هیچ وزن یا امتیازی در آن وجود نداشت.
 - **مرحله ۲ (تکنیک دلفی):** عوامل استخراج‌شده در سه دور دلفی (با هدف دستیابی به اجماع خبرگان) مورد ارزیابی قرار گرفتند. در بسیاری از مطالعات دلفی، اگر میانگین پاسخ‌ها در راند n و $n+1$ اختلافی کمتر از $0/2$ داشته باشند، فرایند پایان می‌یابد (Cheng and Lin, 2002). در جدول ۵، وزن‌های نهایی (اهمیت نسبی) پس از اجماع دلفی (در راند سوم) در ستون «وزن (دلفی - اهمیت نسبی پس از اجماع)» نمایش داده شده‌اند. این وزن‌ها نشان‌دهنده اهمیت نسبی هر عامل در چارچوب توسعه اقتصادی محور ایلام- مهران- دهلران می‌باشد.
 - **مرحله ۳ (ماتریس IFE و EFE):** وزن‌های نهایی دلفی به‌عنوان وزن هر عامل در نظر گرفته شد. سپس به هر عامل امتیاز از ۱ تا ۴ (از ضعف عمده تا قوت عمده برای عوامل داخلی و از پاسخ ضعیف تا پاسخ عالی برای عوامل خارجی) اختصاص یافت. در جدول ۵، امتیاز برای عوامل داخلی (IFE) و عوامل خارجی (EFE) در یک ستون مشترک نشان داده شده‌اند. جمع امتیازات وزنی بخش قوت‌ها (۱/۳۵۵)، ضعف‌ها (۰/۹۲۵) و $IFE = 2/28$ و همچنین جمع بخش فرصت‌ها (۱/۶)، تهدیدها (۰/۹۳۵) و $EFE = 2/54$ است.
- برای تعیین موقعیت باید نمرات حاصل از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی را در ابعاد عمودی و افقی آن قرار داد تا جایگاه سازمان مشخص گردد و بتوان استراتژی‌های مناسبی را برای آن مشخص کرد. این ماتریس که منطبق بر ماتریس SWOT است و استراتژی‌های مناسب برای سازمان را مشخص می‌کند در شکل ۳ ارائه شده است.



شکل ۳: تجزیه و تحلیل ماتریس داخلی و خارجی

نتایج ماتریس‌های IFE و EFE نشان داد که وضعیت داخلی و محیط خارجی منطقه در محدوده میانی قرار دارد؛ به‌گونه‌ای که امتیاز وزنی IFE برابر ۲/۲۸ و امتیاز وزنی EFE برابر ۲/۵۴ به دست آمد. این نتایج بیانگر آن است که منطقه، ضمن برخورداری از ظرفیت‌ها و فرصت‌های قابل استفاده، با محدودیت‌ها و تهدیدهای قابل توجهی نیز مواجه است. از این رو، نتایج IFE و EFE در این پژوهش به‌عنوان مبنای تشخیص وضعیت عمومی و ورودی مرحله تدوین راهبرد مورد استفاده قرار گرفتند. از این رو، راهبردهای WO به‌عنوان راهبردهای غالب و مناسب برای وضعیت کنونی منطقه مورد توجه قرار گرفتند و در ادامه، راهبردهای متناظر با این وضعیت شناسایی و اولویت‌بندی شدند. با این حال، جایگاه WO نباید به‌عنوان یک وضعیت ثابت و تغییرناپذیر منطقه تلقی شود؛ زیرا جایگاه راهبردی حاصل از SWOT تابع شرایط داخلی و محیطی در مقطع مورد مطالعه است و می‌تواند تحت تأثیر نحوه مدیریت، میزان اجرای سیاست‌ها و تغییر ظرفیت‌ها و محدودیت‌های منطقه دستخوش تغییر شود. بنابراین، اجرای مؤثر راهبردهای WO و استفاده هدفمند از فرصت‌های موجود می‌تواند با کاهش ضعف‌های داخلی، زمینه حرکت تدریجی منطقه به سمت وضعیت SO را فراهم کند؛ در مقابل، تداوم یا تشدید ضعف‌های موجود و عدم بهره‌گیری از فرصت‌ها می‌تواند موجب تقویت آسیب‌پذیری منطقه و حرکت آن به سمت وضعیت WT شود. بر این اساس، خروجی SWOT در پژوهش حاضر نه به‌عنوان تعیین قطعی مسیر آینده منطقه، بلکه به‌عنوان تشخیص راهبردی وضعیت موجود و نقطه شروع سیاست‌گذاری تفسیر می‌شود.

۳.۵. رویکرد پیشنهادی توسعه اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام

یافته‌های حاصل از تحلیل SWOT نشان داد که توسعه اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام را نمی‌توان به یک عامل منفرد یا یک اقدام سیاستی مشخص تقلیل داد، بلکه تحقق آن مستلزم تعامل میان ظرفیت‌های درونی منطقه، محدودیت‌های موجود، فرصت‌های ناشی از موقعیت مرزی و شرایط محیطی اثرگذار بر منطقه است. بر این اساس، راهبردهای استخراج‌شده در قالب چهار جهت‌گیری SO، WO، ST و WT سازمان‌دهی شدند تا از طریق پیوند دادن عوامل داخلی و خارجی، چارچوبی منسجم برای تبیین مسیرهای توسعه اقتصادی منطقه ارائه شود.

استفاده از قوت‌ها برای بهره‌برداری از فرصت‌ها

- SO1. توسعه خوشه صادراتی کشاورزی و محصولات ارگانیک با تکیه بر مرز مهران، بازار عراق و ایجاد بازارچه‌های مرزی
- SO2. جذب سرمایه‌گذاری خارجی در نفت، گاز، معدن و صنایع پایین‌دستی پتروشیمی با استفاده از منطقه ویژه اقتصادی مهران
- SO3. توسعه گردشگری زیارتی- سیاحتی (مسیر عتبات) با بهره‌گیری از موقعیت مرزی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل

SO4. تبدیل ایلام به هاب لجستیکی غرب کشور با اتکا به کریدور شرق- غرب، اتصال ریلی و گمرک بین‌المللی
 SO5. توسعه صادرات خدمات فنی- مهندسی و پزشکی به عراق با استفاده از مزیت هم‌مرزی و تقاضای بازار هدف
استفاده از فرصت‌ها برای جبران ضعف‌ها ← (راهبرد غالب/استان)

WO1. استقرار مدیریت یکپارچه مرزی و تجاری با استفاده از هماهنگی وزارتخانه‌های ایران و عراق
 WO2. تکمیل زنجیره‌های تولید کشاورزی و صنعتی از طریق ایجاد مناطق ویژه دوسویه مرزی
 WO3. ارتقای زیرساخت‌های گمرکی، لجستیکی و حمل‌ونقل با بهره‌گیری از پروژه‌های ملی (ریل، راه‌های شریانی)
 WO4. توانمندسازی صادرکنندگان در حوزه استاندارد، بسته‌بندی و قوانین بازار عراق
استفاده از قوت‌ها برای کاهش تهدیدها

ST1. تنوع‌بخشی به صادرات (کشاورزی، گردشگری، خدمات) برای کاهش وابستگی به نفت و نوسانات قیمتی
 ST2. توسعه صنایع پایین‌دستی پتروشیمی برای مقابله با افت بازار مواد خام
 ST3. تقویت گردشگری پایدار برای کاهش اثر مهاجرت و رکود اقتصادی
 ST4. بهره‌برداری بهینه از منابع آب و خاک برای مقابله با ریزگردها و بیابان‌زایی
کاهش ضعف‌ها و پرمیز از تهدیدها
 WT1. اصلاح ساختار حکمرانی مرزی برای جلوگیری از تداخل امنیت و اقتصاد
 WT2. بازسازی و نوسازی صنایع فرسوده برای حفظ اشتغال و کاهش مهاجرت
 WT3. بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل برای مدیریت ترافیک زائران و ترانزیت
 WT4. تقویت دیپلماسی اقتصادی مرزی برای کاهش اثر تحریم‌ها و بی‌ثباتی عراق

با توجه به نتایج ماتریس‌های IFE و EFE، راهبردهای مبتنی بر فرصت- ضعف (WO) در شرایط موجود از اولویت بالاتری برخوردارند و بر کاهش ضعف‌های داخلی از طریق بهره‌گیری از فرصت‌های موجود تمرکز دارند. با این حال، این اولویت به معنای کنار گذاشتن سایر جهت‌گیری‌های راهبردی SWOT نیست. هر چهار گروه راهبردهای SO، WO، ST و WT متناسب با وضعیت و تغییرات عوامل داخلی و خارجی می‌توانند در فرایند مدیریت و توسعه اقتصادی منطقه مورد استفاده قرار گیرند. بر این اساس، در ادامه برای هر چهار جهت‌گیری راهبردی، راهکارهای متناظر ارائه شده و راهبردهای WO با توجه به جایگاه فعلی منطقه، به‌عنوان نقطه شروع و اولویت نخست مداخله مورد توجه قرار گرفته‌اند.

نتایج QSPM بیانگر اولویت نسبی راهبردها در شرایط کنونی است و نباید به‌منزله ضرورت انتخاب یک راهبرد و کنار گذاشتن سایر راهبردهای مکمل تفسیر شود. از آنجا که بسیاری از راهبردهای توسعه اقتصادی مناطق مرزی ماهیتی وابسته و مکمل دارند، اجرای یک راهبرد می‌تواند هم‌زمان زمینه تحقق یا اثربخشی راهبردهای دیگر را فراهم کند. بنابراین، اختلاف امتیازات QSPM صرفاً برای تعیین ترتیب نسبی اولویت‌ها در شرایط مورد مطالعه به کار گرفته شده است و اختلاف‌های جزئی میان امتیازات نباید به‌عنوان تفاوت قطعی در اهمیت یا اثربخشی عملی راهبردها تلقی شود. همچنین، این اولویت‌بندی در سطح کلی توسعه اقتصادی مناطق مرزی انجام شده و به معنای تعیین راهبرد مستقل برای هر یک از دستگاه‌ها یا سطوح مدیریتی نیست. در مرحله تدوین ماتریس QSPM، عوامل منتخب داخلی و خارجی بر اساس میزان ارتباط مستقیم و قابلیت اثرگذاری آن‌ها بر راهبردهای فرصت- ضعف (WO) وارد فرایند اولویت‌بندی شدند. در بخش عوامل داخلی، ضعف‌هایی نظیر فقدان مدیریت واحد تجاری، نبود مدیریت یکپارچه مرز مهران، کمبود فضای تخلیه و بارگیری، کمبود تجهیزات گمرکی، ناآشنایی با قوانین بازار عراق، عدم تطبیق با استانداردها، ضعف بسته‌بندی صادراتی، نبود صنایع مادر، نبود زنجیره تولید و کم‌رنگ بودن مشارکت بخش خصوصی، به دلیل ارتباط مستقیم با محورهای اصلی راهبردهای WO مورد ارزیابی قرار گرفتند؛ به‌طور مشابه، در بخش عوامل خارجی نیز فرصت‌هایی از قبیل راه‌اندازی منطقه ویژه اقتصادی، ایجاد مناطق ویژه دوسویه مرزی، هماهنگی میان وزارتخانه‌های ایران و عراق، اتصال ریلی سراسری، کریدور شرق- غرب، توسعه راه‌های شریانی، صادرات خدمات پزشکی، گردشگری مسیر عبیات، توسعه شبکه‌های آبرسانی کشاورزی و الگوسازی کارآفرینان و زنان روستایی، با توجه به قابلیت آن‌ها برای پشتیبانی از

راهبردهای WO در ماتریس QSPM لحاظ شدند. بر این اساس، انتخاب عوامل برای QSPM با هدف بازنمایی مستقیم پیوند میان عوامل داخلی و خارجی و راهبردهای منتخب انجام شده است. این رویکرد با منطق ماتریس QSPM، که بر ارزیابی جذابیت نسبی راهبردها بر اساس عوامل کلیدی مؤثر بر انتخاب راهبرد تأکید دارد، همخوان است (David, 1986; David et al., 2009).

جدول ۶: ماتریس کمی برنامه‌ریزی استراتژیک (QSPM) برای بخش ضعف‌ها (W)

عامل	وزن	WO1	TAS	WO2	TAS	WO3	TAS	WO4	TAS
W1 فقدان مدیریت واحد تجاری	۰/۰۷	۴	۰/۲۸	۲	۰/۱۴	۱	۰/۰۷	۱	۰/۰۷
W2 نبود مدیریت یکپارچه مرز مهران	۰/۰۷	۴	۰/۲۸	۳	۰/۲۱	۱	۰/۰۷	۱	۰/۰۷
W9 کمبود فضای تخلیه و بارگیری	۰/۰۵	۳	۰/۱۵	۲	۰/۱	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵
W11 کمبود تجهیزات گمرکی	۰/۰۵	۳	۰/۱۵	۲	۰/۱	۲	۰/۱	۱	۰/۰۵
W12 ناآشنایی با قوانین بازار عراق	۰/۰۶	۲	۰/۱۲	۴	۰/۲۴	۲	۰/۱۲	۱	۰/۰۶
W13 عدم تطبیق با استانداردها	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۲	۰/۱۲	۴	۰/۲۴	۲	۰/۱۲
W14 ضعف بسته‌بندی صادراتی	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۴	۰/۲	۲	۰/۱
W17 نبود صنایع مادر	۰/۰۶	۲	۰/۱۲	۱	۰/۰۶	۳	۰/۱۸	۱	۰/۰۶
W18 نبود زنجیره تولید	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۲	۰/۱۲	۳	۰/۱۸	۳	۰/۱۸
W21 کمرنگ بودن بخش خصوصی	۰/۰۷	۱	۰/۰۷	۱	۰/۰۷	۳	۰/۲۱	۴	۰/۲۸
جمع			۱/۳۴		۱/۲۱		۱/۴۲		۱/۰۴

جدول ۷: ماتریس کمی برنامه‌ریزی استراتژیک (QSPM) برای بخش فرصت‌ها (O)

عامل	وزن	WO1	TAS	WO2	TAS	WO3	TAS	WO4	TAS
O1 راه‌اندازی منطقه ویژه اقتصادی	۰/۰۶	۳	۰/۱۸	۲	۰/۱۲	۲	۰/۱۲	۲	۰/۱۲
O2 ایجاد مناطق ویژه دوسویه مرزی	۰/۰۶	۴	۰/۲۴	۲	۰/۱۲	۱	۰/۰۶	۱	۰/۰۶
O4 هماهنگی وزارتخانه‌های ایران و عراق	۰/۰۵	۳	۰/۱۵	۳	۰/۱۵	۲	۰/۱	۲	۰/۱
O5 اتصال ریلی سراسری	۰/۰۵	۲	۰/۱	۲	۰/۱	۲	۰/۱	۲	۰/۱
O6 کریدور شرق-غرب	۰/۰۶	۲	۰/۱۲	۲	۰/۱۲	۳	۰/۱۸	۴	۰/۲۴
O7 توسعه راه‌های شریانی	۰/۰۵	۲	۰/۱	۲	۰/۱	۳	۰/۱۵	۴	۰/۲
O8 صادرات خدمات پزشکی	۰/۰۵	۲	۰/۱	۲	۰/۱	۳	۰/۱۵	۴	۰/۲
O9 گردشگری مسیر عتبات	۰/۰۵	۳	۰/۱۵	۴	۰/۲	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵
O12 شبکه‌های آبرسانی کشاورزی	۰/۰۵	۲	۰/۱	۴	۰/۲	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵
O13 الگوسازی کارآفرینان و زنان روستایی	۰/۰۷	۳	۰/۲۱	۳	۰/۲۱	۲	۰/۱۴	۲	۰/۱۴
جمع			۱/۴۵		۱/۴۲		۱/۱۰		۱/۲۶

جدول ۸: جمع نهایی QSPM راهبردهای محافظه‌کارانه

راهبرد	TAS ضعف‌ها	TAS فرصت‌ها	جمع کل	رتبه
WO1. استقرار مدیریت یکپارچه مرزی و تجاری با استفاده از هماهنگی وزارتخانه‌های ایران و عراق	۱/۳۴	۱/۴۵	۲/۷۹	۱
WO2. تکمیل زنجیره‌های تولید کشاورزی و صنعتی از طریق ایجاد مناطق ویژه دوسویه مرزی	۱/۴۲	۱/۱	۲/۵۲	۲

۳	۲/۶۳	۱/۴۲	۱/۲۱	WO3. ارتقای زیرساخت‌های گمرکی، لجستیکی و حمل‌ونقل با بهره‌گیری از پروژه‌های ملی (ریل، راه‌های شریانی)
۴	۲/۳	۱/۲۶	۱/۰۴	WO4. توانمندسازی صادرکنندگان در حوزه استاندارد، بسته‌بندی و قوانین بازار عراق

WO1. استقرار مدیریت یکپارچه مرزی و تجاری با استفاده از هماهنگی وزارتخانه‌های ایران و عراق

راهبرد WO1 با هدف رفع ضعف‌های مدیریتی مرز مهران و بهره‌گیری از فرصت هماهنگی نهادی میان وزارتخانه‌های ایران و عراق طراحی شده است. در وضعیت موجود، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر، نبود فرماندهی واحد، تداخل وظایف امنیتی و تجاری و فقدان رویه‌های هماهنگ، موجب کاهش کارایی مرز، افزایش هزینه مبادله و بی‌ثباتی در فرآیند صادرات و واردات شده است. این راهبرد با ایجاد ساختار حکمرانی یکپارچه مرزی تلاش می‌کند از ظرفیت دیپلماسی اقتصادی و همکاری‌های دوجانبه برای سامان‌دهی فرآیندهای مرزی استفاده کند. هماهنگی میان وزارتخانه‌های امور خارجه، صمت، اقتصاد، راه و شهرسازی، جهاد کشاورزی و نهادهای متناظر عراقی، زمینه‌ساز هم‌راستاسازی مقررات، کاهش تعارضات اجرایی و تدوین رویه‌های مشترک مرزی خواهد شد. اجرای مدیریت یکپارچه می‌تواند از طریق تشکیل دبیرخانه مشترک، تعریف پروتکل‌های عملیاتی واحد و استقرار سامانه‌های هوشمند تصمیم‌گیری ضعف‌های مدیریتی موجود را کاهش دهد و پایداری تجارت مرزی را افزایش دهد.

در مجموع، WO1 یک راهبرد نهادی- ساختاری است که با اتکا به فرصت هماهنگی بین‌دولتی، ضعف‌های مزمن مدیریت مرزی را هدف قرار داده و زمینه‌ساز افزایش کارایی، ثبات و قابلیت برنامه‌ریزی در تجارت مرزی ایلام- مهران- دهلران می‌شود.

WO2. تکمیل زنجیره‌های تولید کشاورزی و صنعتی/از طریق ایجاد مناطق ویژه دوسویه مرزی

راهبرد WO2 با هدف جبران ضعف‌های ساختاری زنجیره ارزش در استان ایلام- شامل خام‌فروشی محصولات، نبود صنایع مادر و گسست میان تولید و بازار- طراحی شده است. در وضعیت موجود، بخش قابل توجهی از تولیدات کشاورزی و صنعتی استان بدون فرآوری و ارزش‌افزوده کافی وارد بازار می‌شود و همین امر قدرت رقابت در عراق را کاهش داده و وابستگی به نوسانات قیمتی را افزایش می‌دهد. ایجاد مناطق ویژه دوسویه مرزی با مشارکت ایران و عراق، فرصتی برای اتصال تولید، فرآوری، بسته‌بندی و صادرات در یک فضای نهادی مشترک فراهم می‌کند. این مناطق می‌توانند حلقه واسط میان تولیدکنندگان داخلی و بازار عراق باشند و ضعف‌های زنجیره تولید را از طریق جذب سرمایه، انتقال فناوری، ایجاد صنایع تبدیلی و تسهیل تجارت جبران کنند. استقرار واحدهای فرآوری، انبارهای استاندارد و خدمات پشتیبان صادرات در این مناطق، هزینه‌های لجستیکی را کاهش داده و بهره‌وری تولید را افزایش می‌دهد. همچنین، ارائه مشوق‌های مالیاتی، گمرکی و مقرراتی در این مناطق می‌تواند مشارکت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی را تقویت کرده و ضعف ناشی از کم‌رنگ بودن بخش خصوصی و فرسودگی صنایع را کاهش دهد. در نهایت، این راهبرد با پیوند دادن ظرفیت تولید داخلی به فرصت‌های نهادی و جغرافیایی مرز، زمینه‌ساز اشتغال مولد، افزایش ارزش افزوده، توسعه پایدار و ارتقای تاب‌آوری اقتصادی در برابر شوک‌های بیرونی خواهد بود.

WO3. ارتقای زیرساخت‌های گمرکی، لجستیکی و حمل‌ونقل با بهره‌گیری از پروژه‌های ملی (ریل، راه‌های شریانی)

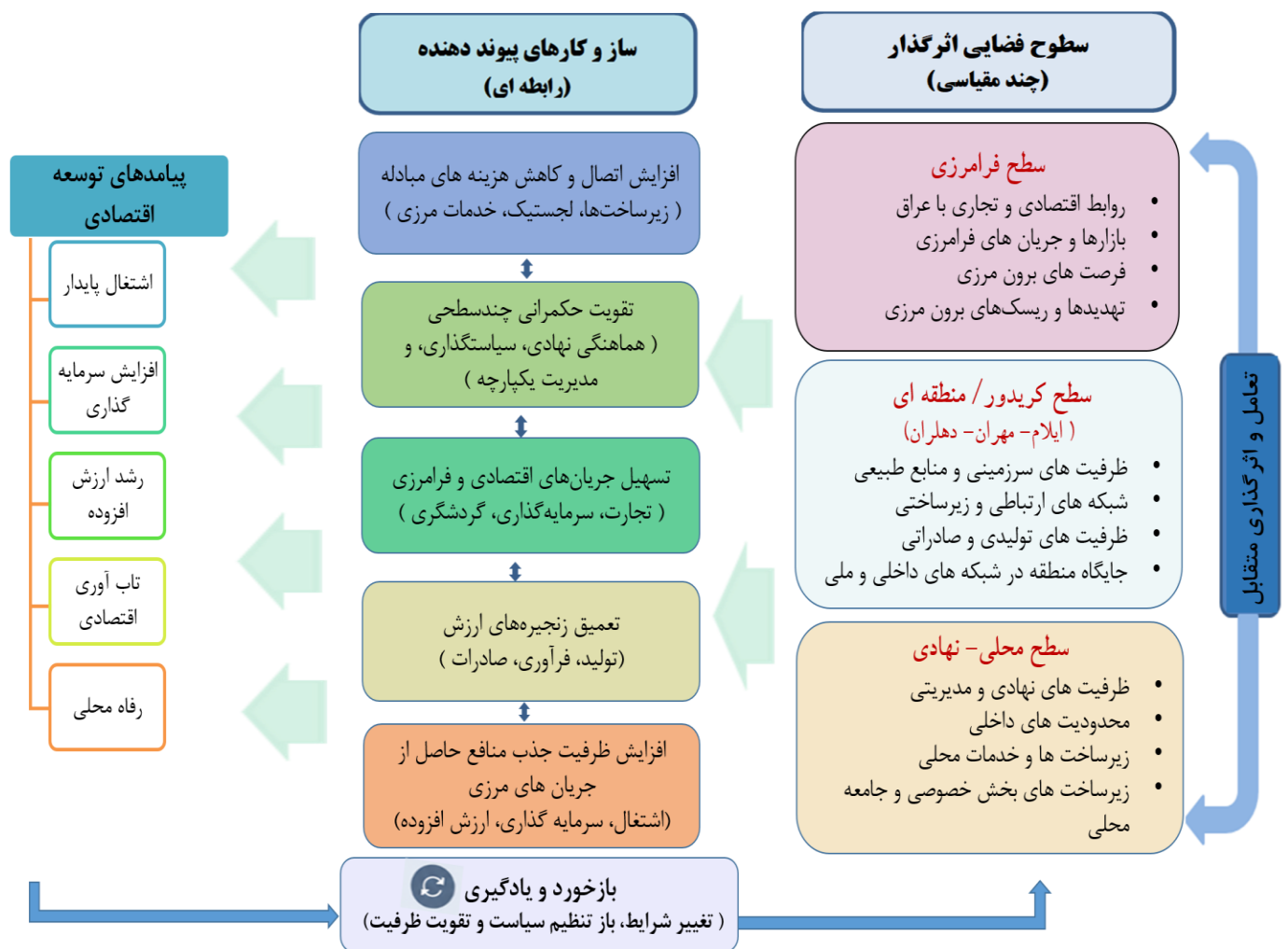
راهبرد WO3 با هدف رفع ضعف‌های زیرساختی مرز مهران- شامل کمبود تجهیزات گمرکی، فضای ناکافی تخلیه و بارگیری، فرسودگی راه‌ها و ناکارآمدی شبکه حمل‌ونقل- طراحی شده است. این ضعف‌ها موجب افزایش زمان ترخیص، هزینه حمل و کاهش رقابت‌پذیری صادرات استان شده‌اند. این راهبرد با اتصال ایلام به پروژه‌های ملی مانند شبکه ریلی سراسری، کریدور شرق- غرب و توسعه راه‌های شریانی، تلاش می‌کند زیرساخت‌های مرزی را به‌صورت ساختاری ارتقا دهد. بهره‌گیری از این پروژه‌ها، جایگاه مرز مهران را از یک گذرگاه صرف به هاب لجستیکی منطقه‌ای ارتقا می‌دهد و نقش استان را در شبکه حمل‌ونقل

ملی تقویت می‌کند. هم‌زمان، نوسازی تجهیزات گمرکی، تفکیک مسیرهای ترانزیت، صادرات و زائران، و توسعه سامانه‌های هوشمند گمرکی موجب افزایش بهره‌وری، کاهش ازدحام و بهبود مدیریت ترافیک مرزی می‌شود. این اقدامات با ایجاد هم‌افزایی میان سرمایه‌گذاری‌های ملی و نیازهای محلی، امکان جبران عقب‌ماندگی‌های زیرساختی استان را فراهم می‌سازد. در نهایت، WO3 بستر فیزیکی لازم برای اجرای سایر راهبردهای توسعه‌محور را ایجاد کرده و زمینه‌ساز افزایش کارایی تجارت مرزی، کاهش هزینه‌ها، ارتقای رقابت‌پذیری و تقویت نقش ایلام در شبکه لجستیک ملی و فرامرزی خواهد بود.

WO4. توانمندسازی صادرکنندگان در حوزه استاندارد، بسته‌بندی و قوانین بازار عراق

راهبرد WO4 مستقیماً ضعف‌های دانشی و مهارتی صادرکنندگان استان ایلام را هدف قرار می‌دهد؛ ضعف‌هایی که بخش مهمی از ناکامی در بازار عراق نه به کمبود تولید، بلکه به ناآشنایی با استانداردها، بسته‌بندی نامناسب، عدم تطبیق با سلیقه مصرف‌کننده عراقی و بی‌اطلاعی از مقررات تجاری و گمرکی عراق مربوط است. این راهبرد با استفاده از فرصت نزدیکی فرهنگی و نهادی با عراق، بر توسعه سرمایه انسانی صادرات‌محور تمرکز دارد. اجرای دوره‌های آموزشی تخصصی، ایجاد مراکز مشاوره صادرات، استقرار آزمایشگاه‌های استاندارد و حمایت از نوآوری در بسته‌بندی، می‌تواند ضعف‌های موجود را به مزیت رقابتی تبدیل کند. همکاری با اتاق‌های بازرگانی و نهادهای تجاری عراق نیز امکان انتقال تجربه، کاهش ریسک صادرات و افزایش انطباق محصولات با نیاز بازار هدف را فراهم می‌سازد. توانمندسازی صادرکنندگان علاوه بر کاهش وابستگی به واسطه‌ها، موجب افزایش سهم تولیدکنندگان محلی از ارزش افزوده صادرات می‌شود و نقش مهمی در پایداری تجارت مرزی دارد. در نهایت، این راهبرد با ارتقای کیفیت و استاندارد محصولات، اعتماد بازار عراق به کالاهای ایلامی را تقویت کرده و حضور پایدار و بلندمدت استان در بازارهای هدف را تضمین می‌کند.

در چارچوب پیشنهادی، راهبردهای شناسایی شده به‌صورت منفک از یکدیگر عمل نمی‌کنند، بلکه در قالب زنجیره‌ای از مداخلات مرتبط در سطوح مختلف فضایی قابل تفسیرند. توسعه اقتصادی مناطق مرزی نتیجه ی برهم‌کنش چندسطحی میان سطوح فضایی مختلف و سازوکارهای پیونددهنده است. در این زنجیره، افزایش اتصال و کاهش هزینه‌های مبادله و متعاقب آن اصلاح و تقویت حکمرانی و مدیریت مرزی، زمینه تسهیل جریان‌های تجاری و فرامرزی را فراهم می‌کند؛ تسهیل این جریان‌ها امکان فعال‌سازی ظرفیت‌های تولیدی، صادراتی و خدماتی منطقه را افزایش می‌دهد و در ادامه، تعمیق زنجیره‌های ارزش، افزایش مشارکت بخش خصوصی و جذب سرمایه می‌تواند به تثبیت منافع اقتصادی حاصل از موقعیت مرزی و ارتقای تاب‌آوری اقتصادی منطقه منجر شود. در ادامه، این سازوکارها به‌صورت رابطه‌ای به پیامدهای توسعه اقتصادی مانند اشتغال پایدار، افزایش سرمایه‌گذاری، رشد ارزش افزوده، ارتقای تاب‌آوری اقتصادی و بهبود رفاه محلی منجر می‌شوند. همچنین نتایج حاصل از مداخلات توسعه‌ای می‌توانند به اصلاح سیاست‌ها، تقویت سازوکارهای پیونددهنده و بازتنظیم مداخلات در سطوح مختلف فضایی منجر شوند. بنابراین، چارچوب پیشنهادی بر این منطق استوار است که ظرفیت‌های مرزی تنها زمانی به توسعه اقتصادی تبدیل می‌شوند که محدودیت‌های داخلی، به‌ویژه محدودیت‌های مدیریتی و نهادی، هم‌زمان با بهره‌گیری از فرصت‌های محیطی مورد توجه قرار گیرند. در این چارچوب، اولویت بالاتر راهبردهای WO در شرایط موجود به معنای حذف سایر جهت‌گیری‌های راهبردی نیست؛ بلکه نشان‌دهنده نقطه شروع مناسب‌تر برای مداخله در وضعیت کنونی منطقه است. با کاهش ضعف‌های داخلی، زمینه بهره‌گیری مؤثرتر از راهبردهای SO نیز فراهم می‌شود، در حالی که راهبردهای ST و WT همچنان برای مدیریت تهدیدها، کاهش آسیب‌پذیری و حفظ تاب‌آوری منطقه نقش مکمل دارند. از این رو، چارچوب پیشنهادی یک نسخه ثابت و تک‌راهبردی نیست، بلکه مجموعه‌ای از مداخلات مکمل را دربر می‌گیرد که اولویت و وزن آنها متناسب با شرایط داخلی و محیطی منطقه قابل تغییر است.



شکل ۴: چارچوب پیشنهادی

۶. نتیجه گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر توسعه اقتصادی مناطق مرزی استان ایلام، تلاش کرد از نگاه صرفاً جغرافیایی یا بخشی به مرز فراتر رفته و چارچوبی برای تبیین سازوکارهای مؤثر بر توسعه اقتصادی منطقه ارائه کند. یافته ها نشان داد که وجود مرز، بازار عراق، ظرفیت های نفت و گاز، کشاورزی، گردشگری و موقعیت ارتباطی، به تنهایی تضمین کننده توسعه اقتصادی نیست؛ بلکه تبدیل این ظرفیت ها به اشتغال، سرمایه گذاری، ارزش افزوده و رفاه محلی به کیفیت اتصال به شبکه های داخلی و فرامرزی، ظرفیت جذب منافع حاصل از جریان های مرزی، عمق زنجیره های ارزش و ظرفیت نهادی و حکمرانی وابسته است. بنابراین در محور ایلام-مهران-دهلران، مسئله اصلی را می توان شکاف میان ظرفیت های سرزمینی و توان نهادی و اقتصادی برای بهره برداری پایدار از این ظرفیت ها دانست. این یافته ها با چارچوب نظری پژوهش درباره نقش هم زمان مرز، شبکه ها و ظرفیت نهادی در توسعه اقتصادی سازگار است. مهم ترین دستاورد پژوهش، صورت بندی یک چارچوب تحلیلی چندمقیاسی و رابطه ای برای توسعه اقتصادی منطقه مرزی ایلام است. در این چارچوب، منطقه مرزی نه صرفاً یک نوار مجاور خط مرز و نه معادل کل استان، بلکه یک منطقه عملکردی متشکل از روابط میان ایلام، مهران، دهلران، مرز مهران و شبکه های اقتصادی و ارتباطی دو سوی مرز در نظر گرفته می شود. چارچوب پیشنهادی بر تعامل میان ساختارهای عمومی مناطق مرزی، دارایی ها و محدودیت های محلی، جایگاه منطقه در شبکه های داخلی و فرامرزی و ظرفیت نهادی استوار است و سازوکارهایی مانند کاهش هزینه مبادله، تعمیق زنجیره ارزش، افزایش ظرفیت جذب، تنوع بخشی و تقویت حکمرانی را به پیامدهای توسعه ای پیوند می دهد. در این چارچوب،

نتایج SWOT و QSPM به عنوان ابزارهای سازمان‌دهی، ارزیابی و اولویت‌بندی جهت‌گیری‌های راهبردی مورد استفاده قرار گرفتند و نه به عنوان یک برنامه اجرایی قطعی برای دستگاه‌های مسئول. در شرایط مورد مطالعه، راهبردهای WO از اولویت نسبی بیشتری برای شروع مداخله برخوردار شدند؛ با این حال، این اولویت موقتی و وابسته به شرایط است و راهبردهای ST، SO و WT همچنان نقش مکمل دارند.

۱.۶. محدودیت‌های پژوهش

سهم اصلی این پژوهش در ارائه یک چارچوب تحلیلی چندمقیاسی و رابطه‌ای برای بررسی توسعه اقتصادی مناطق مرزی است که با توجه به ویژگی‌های خاص محور ایلام-مهران-دهلران صورت‌بندی شده و از این جهت، ادعای آن ارائه یک نسخه عمومی و ثابت برای تمام مناطق مرزی نیست. بلکه می‌تواند مبنایی تحلیلی برای بازتنظیم و تطبیق در سایر مناطق مرزی فراهم آورد؛ مشروط بر آنکه تفاوت‌های فضایی، نهادی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی هر منطقه در سطوح مختلف (از خط مرز تا مقیاس استانی و فرامرزی) مورد توجه قرار گیرد. با وجود تلاش برای استفاده هم‌زمان از مبانی نظری، اسناد آمایش، داده‌های کیفی، دیدگاه خبرگان و ارزیابی‌های کمی، پژوهش حاضر با چند محدودیت مواجه است. نخست، بخش مهمی از عوامل شناسایی شده بر ادراک و تجربه خبرگان استوار است. دیدگاه خبرگان یکی از لایه‌های شواهد پژوهش محسوب می‌شود و نمی‌تواند به تنهایی نماینده تجربه همه فعالان اقتصادی، ساکنان، مرزنشینان و سایر ذی‌نفعان باشد. دوم، قلمرو پژوهش کل استان ایلام نیست، بلکه منطقه مرزی عملکردی ایلام-مهران-دهلران بر اساس سطح‌بندی پنج‌گانه تعریف شده است. بنابراین، تعمیم نتایج به سایر شهرستان‌های استان یا دیگر مناطق مرزی کشور باید با توجه به تفاوت در نوع مرز، ساختار اقتصادی، کشور همسایه، شبکه‌های ارتباطی، شرایط اجتماعی و ظرفیت نهادی در هر سطح فضایی انجام شود. سوم، نتایج حاصل از ماتریس‌های SWOT، IFE، EFE و QSPM ماهیتی وابسته به شرایط و مقطع مطالعه دارند و تغییر در وضعیت اقتصادی، سیاسی، امنیتی، تجاری و روابط ایران و عراق می‌تواند بر ارزیابی عوامل و اولویت‌های راهبردی اثر بگذارد. از این رو، نتایج کمی پژوهش نباید به عنوان اولویت‌های ثابت و دائمی منطقه تلقی شوند. همچنین این روش‌ها به تنهایی قادر به اثبات روابط علی میان عوامل و پیامدهای توسعه نیستند و نتایج آن‌ها نیازمند پشتیبانی از طریق شواهد عینی و مطالعات تجربی است. این محدودیت با منطق نظری خود پژوهش نیز سازگار است که SWOT را ابزار سازمان‌دهی شواهد، نه نظریه علی، تلقی می‌کند.

با وجود این محدودیت‌ها، یافته‌های پژوهش باید در بستر چارچوب چندمقیاسی و رابطه‌ای آن تفسیر شوند. عوامل شناسایی شده بازتاب ادراک خبرگان از وضعیت محور ایلام-مهران-دهلران هستند و نه اندازه‌گیری مستقیم و عینی همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و نهادی منطقه. همچنین، چارچوب ارائه شده در بستر فضایی و نهادی خاص این محور شکل گرفته است؛ از این رو، تعمیم مستقیم آن به سایر مناطق مرزی بدون بازتنظیم بر اساس تفاوت‌های ساختاری، نهادی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی در سطوح مختلف فضایی قابل توصیه نیست.

۲.۶. مسیرهای پژوهشی آینده

پژوهش‌های آتی می‌توانند چارچوب پیشنهادی را با داده‌های عینی و طولی آزمون کرده و رابطه میان اتصال‌پذیری، هزینه مبادله، جریان‌های تجاری، ظرفیت جذب، زنجیره ارزش، سرمایه‌گذاری، اشتغال و تاب‌آوری را بسنجند. ورود دیدگاه فعالان بخش خصوصی و مطالعات تطبیقی میان مناطق مرزی ایران و کشورهای مشابه، نیز می‌تواند سازوکارهای عمومی و اختصاصی این چارچوب را روشن‌تر سازد. همچنین بررسی پویایی جایگاه راهبردی منطقه در طول زمان و آزمون چارچوب پیشنهادی در شرایط مختلف اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیکی می‌تواند به توسعه آن از یک چارچوب تحلیلی به یک مدل تجربی قابل آزمون کمک کند.

۳.۶. دلالت‌های سیاستی

یافته‌ها ضرورت به رسمیت شناختن نهادهای مناطق مرزی را برجسته می‌کنند؛ سیاست‌گذاری باید از تمرکز بر عبور کالا به سمت تثبیت ارزش افزوده جریان‌های مرزی حرکت کند. تقویت حکمرانی چندسطحی، زیرساخت‌های اتصال، لجستیک، صنایع تبدیلی، توانمندسازی بنگاه‌ها و تسهیل سرمایه‌گذاری، مسیر تبدیل مزیت جغرافیایی مرز به مزیت اقتصادی پایدار است. چارچوب پیشنهادی جایگزین برنامه‌ریزی رسمی نیست و تبدیل آن به برنامه اجرایی نیازمند متولی، منابع، زمان‌بندی، مشارکت گسترده ذی‌نفعان و شاخص‌های پایش است.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول ۳۵ درصد، نویسنده دوم ۳۵ درصد، نویسنده سوم ۲۰ درصد، نویسنده چهارم ۱۰ درصد

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از تمامی خبرگان و متخصصانی که در انجام این پژوهش همکاری کردند، اعلام می‌دارند. پژوهش حاضر حامی مالی نداشته و حاصل فعالیت علمی نویسندگان است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند در انجام این پژوهش هیچگونه تعارض منافی برای ایشان وجود ندارد.

منابع

- Akhbari, M., & Nami, M. H. (2010). Border Geography with Emphasis on Iranian Borders. *Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces*. [In Persian] <https://docibox.ir/book/6071647>.
- Akhgarī, M., & Barzegar, R. (2016). Analysis of the effects of border market development on surrounding areas (Case study: Mahirud border market, Sarbisheh County). *The 3rd International Conference on Research in Engineering, Science and Technology*. [In Persian] <https://civillica.com/doc/557605>
- Amanpour, S., & Mohammadi, Ch. (2021). An analysis of spatial distribution of development and regional inequalities in Ilam province. *Regional Planning Scientific Quarterly*, 11(42), 102-117. [In Persian] DOI: [10.30495/JZPM.2021.4210](https://doi.org/10.30495/JZPM.2021.4210).
- Atefi, H., Roumina, E., & Ghorbaninejad, R. (2020). A theoretical model of spatial development in integrated border regions. *Geographical Space Scientific Quarterly*, 20(72), 19-37. [In Persian] <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1742269>
- Badri, S. A., & Akbarian Ronizi, S. R. (2006). A comparative study of the application of development measurement methods in regional studies (Case: Esfarayen County). *Geography and Development*, 7, 5-22. [In Persian] [10.22111/gdij.2006.3797](https://doi.org/10.22111/gdij.2006.3797).
- Badri, S. A., Darban Astaneh, A. R., & Sa'di, S. (2018). The impact of border markets on the improvement of socio-economic indicators in border rural areas (Case study: Bashmaq border, Marivan). *Spatial Planning*, 7(3), 41-62. [In Persian] [10.22108/sppl.2017.102384.1041](https://doi.org/10.22108/sppl.2017.102384.1041).
- Bie, Q., Li, C. & Zhou, Sh. (2014). Evaluation of the Effectiveness of Border Policies in Dehong Prefecture of Yunnan, China. *Sustainability*, 6(8), 5284-99. <https://doi.org/10.3390/su6085284>

- Borovskaya, T., Gherman, O. & Zaytseva, T. (2019). Sustainable development of border areas as a subject of scientific research. *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, 364. [10.2991/icsdcbr-19.2019.61](https://doi.org/10.2991/icsdcbr-19.2019.61)
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Capello, R., Caragliu, A., & Fratesi, U. (2018). Measuring border effects in European cross-border regions. *Regional Studies*, 52(7), 986–996. <https://doi.org/10.1080/00343404.2017.1364843>.
- Cheng, C. H., & Lin, Y. (2002). Evaluating the best main battle tank using fuzzy decision theory with linguistic criteria evaluation. *European journal of operational research*, 142(1), 174-186. [10.1016/S0377-2217\(01\)002806](https://doi.org/10.1016/S0377-2217(01)002806)
- Chirodea, F., Soproni, L., & Marian, M. (2024). European Union tools for the sustainable development of border regions. *Sustainability*, 16(1), 388. <https://doi.org/10.3390/su16010388>.
- Christaller, W. (1933). Die zentralen Orte in Süddeutschland. Jena ,Gustav Fischer, 1933. Translated by C.W. Baskin, Central Places in Southern Germany. *Englewood d Cliffs, N. J., Prentice- Hall*, 1966. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=1319844>
- Christiansen, T. (2002). A SWOT analysis of the organization and financing of the Danish health care system. *Health Policy*, 59(2), 99-106. [https://doi.org/10.1016/S0168-8510\(01\)00200-7](https://doi.org/10.1016/S0168-8510(01)00200-7)
- Darabi, S., & Fani, Z. (2021). Identifying influential factors and key drivers in regional development with a futures studies approach (Case study: Ilam). *Geography and Urban Planning (Zagros Perspective) Quarterly*, 13(47), 119-137. [In Persian] <https://www.magiran.com/p2361743>
- David, F. R. (1986). The strategic planning matrix—a quantitative approach. *Long Range Planning*, 19(5), 102-107. [https://doi.org/10.1016/0024-6301\(86\)90015-4](https://doi.org/10.1016/0024-6301(86)90015-4)
- David, M. E., David, F. R., & David, F. R. (2009). The Quantitative Strategic Planning Matrix (QSPM) applied to a retail computer store. *The Coastal Business Journal*, 8(1), 4. <https://digitalcommons.coastal.edu/cbj/vol8/iss1/4>
- Esmatyar, A., & Malekpour Asl, B. (2025). The role of collaborative governance in the balanced regional development of the border province of Kurdistan. *Sustainable Development of the Geographical Environment*, 7(12), 61-77. [In Persian] <https://doi.org/10.48308/sdge.2024.237038.1216>.
- Ezati, E. (1989). Military Geography of Iran. Tehran: Amirkabir. <https://fidibo.com/book/159671-> . [In Persian]
- Friedmann, J. (1966). Regional Development Policy: A Case Study of Venezuela: Cambridge (Mass.). *M.I.T. Press*. <https://cir.nii.ac.jp/crid/1971430859848255891>
- Gallopin, G. C. (2020). Cities, Sustainability, and Complex Dissipative Systems. *A Perspective CONCEPTUAL ANALYSIS*. <https://doi.org/10.3389/frsc.2020.523491>.
- Gendarme, R. (1970). Les problèmes économiques des régions frontalières européennes. *Revue économique*, 21, 889-917. <https://doi.org/10.3406/reco.1970.407945>
- Ghadimi, M., Soleimani, M., Moussavian, S. S., and Yakhkhali, M. (2023). Dimensions, challenges and strategies for the development of border regions. *Regional Economics and Development*, 30(1), 291–315. [In Persian] <https://doi.org/10.22067/erd.2023.76439.1113>.
- Ghanbari, Y., Barfi, H., & Hejarian, A. (2014). Analysis and prioritization of the development degree of counties in Lorestan province using the TOPSIS technique. *Urban and Regional Studies and Research Quarterly*, 6(21), 169-180. [In Persian] <http://noo.rs/zhdZo>
- Golchoui Diva, Sh., Jalalian, S. E., & Ahmadi Dehka', F. (2019). Measuring the development level of border counties in West Azerbaijan province. *Border Science and Technology Scientific Quarterly*, 8(2), 83-102. [In Persian] <https://www.share.sid.ir/paper/410085/fa?media=1>
- Hansen, N. H. (1978). border regions: A critique of spatial theory and a European Case Study; Human settlement systems. *International Perspectives on Structure Change and public Policy*, Ballinger Publication Co: 246-261 Cambridge, UK. <https://doi.org/10.1007/BF01287245>.

- Hansen, N. M. (1975). An Evaluation of Growth Center Theory and Practice. *Environment and Planning*, 7, 821-832. <https://doi.org/10.1068/a070821>
- Hansen, N. M. (1976). The Economic Development of Border Regions. *International Institute for Applied System Analysis, IIASA Research Memorandum*. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2257.1977.tb00343.x>
- Hippe, S., Bertram, D. & Chilla, T. (2024). Convergence and resilience in border regions. *European Planning Studies*, 32(1), 186-207. <https://doi.org/10.1080/09654313.2023.2170214>
- Janparvar, M., Bahrami Jaf, S., Salehabadi, R., & Doostmoradi, H. (2021). Analysis and leveling of border parameters affecting the security and development of border cities (Case study: Javanrud city). *Political Spatial Planning*, 3(2), 70-80. <https://doi.org/20.1001.1.26455145.2021.3.2.1.6>
- Janparvar, M., Jafarpour Ghalehtimouri, K., Mazandrani, D. & Mousavi, M. (2022). Investigating impact of weaknesses and strengtheners local and national factors in border cities' development: Case of study Javanrood city, Iran. DOI: <https://doi.org/10.21203/rs.3.rs-2344069/v1>.
- Krippendorff, K. (2004). Reliability in content analysis: Some common misconceptions and recommendations. *Human communication research*, 30(3), 411-433. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2958.2004.tb00738.x>
- Krugman, P. (1991). Increasing returns and economic geography. *Journal of Political Economy*, 99(3), 483-499. <https://doi.org/10.1086/261763>.
- Kurowska-Pysz, J., Castanho, R. A. & Loures, L. (2018). Sustainable planning of cross-border cooperation: A strategy for alliances in border cities. *Sustainability*, 10(5), 1416. <https://doi.org/10.3390/su10051416>
- Lösch, A. (1940). Die räumliche Ordnung der Wirtschaft. Jena, Gustav Fischer, Translated by W.H. Woglom with the assistance of W.F. Stolper, The Economics of Location. *New Haven, Yale University Press*, 1954. <https://cir.nii.ac.jp/crid/1971149384838457254>
- Medeiros, E., Ferreira, R., Boijmans, P., Verschelde, N., Spisiak, R., Skonieczki, P., et al. (2021). Boosting cross-border regions through better cross-border transport services: The European case. *Case Studies on Transport Policy*, 9(1), 291-301. <https://doi.org/10.1016/j.cstp.2021.01.006>
- Meshkini, Abolfazl, Movahed, Ali, & Ahmadifard, Narges. (2016). Investigating Regeneration Policy in Deteriorated Urban Fabrics Using SWOT and QSPM Matrices (Case Study: District 12 of Tehran Metropolis). *Geographical Research on Urban Planning*, 4(4), 549-568. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2016.62194>
- Mirzaei, H., Imani Jajarmi, H., & Sharifpour, H. (2024). Critical discourse analysis of social policies for the development of border regions (with an emphasis on regional spatial justice). *Iranian Journal of Social Studies*, 17(4), 105-131. [In Persian] <https://www.share.sid.ir/paper/1442215/fa?media=1>
- Mohammadi, R., Karkeh Abadi, Z., & Miri, Gh. (2022). Explaining city-border interactions with a sustainable development approach based on fuzzy multi-criteria decision-making logic (Case study: Border cities of Sistan and Baluchestan province). *Applied Research in Geographical Sciences Journal*, 22(64), 247-268. [In Persian] <https://www.share.sid.ir/paper/962232/fa?media=1>
- Mohammadpanahi, S., Varesi, H. R., & Taghvaei, M. (2023). Strategic planning for regional development of Ilam based on regional competitiveness. *Journal of Geography and Regional Development*, 21(1), 209-231. [In Persian] [20.1001.1.20081391.1402.21.1.7.8](https://doi.org/20.1001.1.20081391.1402.21.1.7.8)
- Momeni, M., & Saber, E. (2012). Determining the development level of Naein city in Isfahan province. *Journal of Geography and Environmental Planning*, 23(1), 185-200. [In Persian] [20.1001.1.20085362.1391.23.1.12.0](https://doi.org/20.1001.1.20085362.1391.23.1.12.0)
- Mousavi, M. N., Bouiri, Sh., & Babaei Tazeh Kand Qeshlaq, N. (2019). Analysis of pivotal factors affecting the development of border regions in Khuzestan province using MicMac software. *Border Science and Technology Quarterly*, 8(1), 141-164. [In Persian] <https://share.sid.ir/paper/410649/fa?media=1>
- Mousavi, M. N., Ghalehtimouri, K. J., Hekmatnia, H., Bagheri-Kashkouli, A. & Bayramzadeh, N. (2024). Mitigating development barriers and addressing disparities in border cities of Iran: a comprehensive analysis of border provinces and influential factors. *GeoJournal*. 89, 168. [In Persian] <https://doi.org/10.1007/s10708-024-11181-9>.

- Niederberger, M., & Spranger, J. (2020). Delphi technique in health sciences: A map. *Frontiers in Public Health*, 8, 457. [doi: 10.3389/fpubh.2020.00457](https://doi.org/10.3389/fpubh.2020.00457)
- OECD. (2024). Building more resilient cross-border regions: Considerations in governance and partnerships. OECD Multi-level Governance Studies. *OECD Publishing*. <https://doi.org/10.1787/d5fd3e59-en>
- OECD. (2025). Place-based policies for the future. OECD Regional Development Studies. *OECD Publishing*. <https://doi.org/10.1787/e5ff6716-en>.
- Omidi, N. (2022). Obstacles to the development of production cooperatives in border areas with a social and economic approach: A case study of Mehran and Dehloran counties in Ilam province. *Rural and Sustainable Development of Space*, 2(10), 89–104. [In Persian] [20.1001.1.2717350.1401.3.2.5.5](https://doi.org/10.1001.1.2717350.1401.3.2.5.5).
- Pan, S., Zhou, W., Pirmauthu, S., Giannikas, V. & Chen, C. (2021). Smart city for sustainable urban freight logistics. *International Journal of Production Research*, 59(7), 2079-2089. <https://doi.org/10.1080/00207543.2021.1893970>
- Parnian, H., Ziari, K., Mirhayi, M., & Modiri, M. (2018). Development strategies for border regions with a land-use planning approach (Study area: Urmia-Salmas). *Geographical Information Scientific-Research Quarterly*, 26(104), 173-184. [In Persian] [10.22131/sepehr.2018.30532](https://doi.org/10.22131/sepehr.2018.30532).
- Paul, H., Chilla, T., & Sommer, C. (2026). Economy and border regions—A research gap? Results from a scoping review. *Journal of Borderlands Studies*, 41(1), 215-233 <https://doi.org/10.1080/08865655.2025.2539973>
- Pernice, R. (2021). Verticality and Conflicting Identities in the Contemporary Chinese City: The Urban Development of Suzhou Industrial Park. *Journal of Chinese Architecture and Urbanism – Special Issue: Influential theories and works for contemporary Chinese urban planning and design (1920-2020)*, 3(1). <https://doi.org/10.36922/jcau.v3i1.1026>.
- Piri, R. (2020). Explanation and evaluation of the strategic position of the border regions of the Islamic Republic of Iran and Iraq (Case study: Border counties of Ilam province). *Strategic Studies of Basij Quarterly*, 23(88), 124-156. [In Persian] [20.1001.1.1735501.1399.23.88.4.3](https://doi.org/10.1735501.1399.23.88.4.3).
- Prokkola, E. (2019). Border-regional Resilience in EU Internal and External Border Areas in Finland. *European Planning Studies*, 27 (8), 1587–1606. <https://doi.org/10.1080/09654313.2019.1595531>.
- Pugh, R., & Dubois, A. (2021). Peripheries within economic geography: Four “problems” and the road ahead of us. *Journal of Rural Studies*, 87, 267–275. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2021.09.007>.
- Rigi, E., Anvari, M. R., & Hafez Rezazadeh, M. (2021). Calibrating the economic role of border corridors (land) on sustainable urban development (Case study: Mirjaveh city). *New Attitudes in Human Geography*, 12(2), 343-359. [In Persian] [20.1001.1.66972251.1399.12.2.18.2](https://doi.org/10.1001.1.66972251.1399.12.2.18.2).
- Roscoe, J. T. (1975). Fundamental research statistics for the behavioral sciences (2nd ed.). *Holt, Rinehart and Winston*. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=1547472>

- Rumley, D. & Minghi, J.V. (1991). *The Geography of Border Landscapes*. Routledge: New York. <https://doi.org/10.4324/9781315746593>
- Sadeghi, H., Fal Soleiman, M., Hashemi, S., & Fadaei, M. (2014). Limitations and capacities of sustainable development in the border villages of eastern Iran (Case: Bandan rural district in Nehbandan County). *Spatial Economy and Rural Development Quarterly*, 2(8), 126-144. [In Persian] <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1085434>
- Sohn, C. (2014). Modelling cross-border integration: The role of borders as a resource. *Geopolitics*, 19(3), 587–608. <https://doi.org/10.1080/14650045.2014.913029>
- Statistical Yearbook of Ilam Province. (2023). *Management and Planning Organization of Ilam Province*. [In Persian] <https://amar.org.ir/salnameh-amari/1402/PropertyTypeID/621>
- Su, X., Zhou, W., Deng, L. & Li, M. (2024). Analysis of Economic Development Dynamics in Border Cities- -Based on Multiple Regression Model of Fangchenggang City. *E3S Web of Conferences* 565, 02027, ICUEMS2024. <https://doi.org/10.1051/e3sconf/202456502027>.
- Supreme Council for Land Planning. (2020). Ilam Province Land Planning Document, approved on March 1, 2020. [In Persian] <https://coo.acecr.ac.ir/fa/page/5027>
- Taubenböck, H., Otto, C., Gülzau, F., & Mau, S. (2023). Border regions across the globe: Analyzing border typologies, economic and political disparities, and development dynamics. *Applied Geography*, 151, 102866. <https://doi.org/10.1016/j.apgeog.2022.102866>.
- Thompson, A., Janes, A., Peteraf, M., Sutton, C., Gamble, J., & Strickland, A. (2013). *EBOOK: Crafting and executing strategy: The quest for competitive advantage: Concepts and cases*. McGraw hill. <https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=7MovEAAQBAJ&oi>
- Todaro, M. P. (1999). Economic Development in the Third World. *Tehran: Organization of Budget and Planning Publications*. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=2774502>
- Toli, A. M. & Murtagh, N. (2020). The Concept of Sustainability in Smart City Definitions. *Journal of Digital Landscape Architecture*, 6, 75-84. [doi:10.14627/537705004](https://doi.org/10.14627/537705004).
- Weber, A. (2012). Boundaries with issues: Soft border management as a solution?. *Friedrich-Ebert-Stiftung, Africa Department*. library.fes.de
- Wendt, J. A., Grama, V., Ilieș, G., Mikhaylov, A. S., Borza, S. G., Herman, G. V., & Bógdał-Brzezińska, A. (2021). Transport infrastructure and political factors as determinants of tourism development in the cross-border region of Bihor and Maramureș. *A comparative analysis. Sustainability*, 13(10), 5385. <https://doi.org/10.3390/su1310538>
- Wong Villanueva, J. L., Kidokoro, T., & Seta, F. (2022). Cross-border integration, cooperation and governance: A systems approach for evaluating “good” governance in cross-border regions. *Journal of Borderlands Studies*, 37(5), 1047–1070. <https://doi.org/10.1080/08865655.2020.1855227>.

- Wu, Z., Jiang, M., Li, H., & Zhang, X. (2021). Mapping the knowledge domain of smart city development to urban sustainability: a scientometric study. *Journal of Urban Technology*, 28(1-2), 29-53. <https://doi.org/10.1080/10630732.2020.1777045>.
- Yeganeh, M., Fathi, S., Saroukhani, B., & Mirzaee, K. (2024). Sociological study of obstacles to industrial development in Ilam province in line with regional planning and sustainable development. *Geography (Regional Planning)*, 13, 303-322. [In Persian] DOI: [10.22034/jgeoq.2023.178203.1876](https://doi.org/10.22034/jgeoq.2023.178203.1876).
- Zarrabi, Asghar, & Mahboub-Far, Mohammad Reza. (2013). Application of the SWOT-QSPM Model in Formulating a Tourism Development Strategy for the City of Kashan. *Spatial Planning*, 3(4), 37–58. [In Persian] <https://www.sid.ir/paper/223737/fa>.
- Zhang, X., Zuo, X., & Chen, X. (2023). Open doors: The impact of border reforming and opening policies on the regional border economies of China. *International Studies of Economics*, 18(4), 527-546. <https://doi.org/10.1002/ise3.53>
- Zho, Y., Li, J. & Pu, L. (2021). Quantifying ecosystem service mismatches for land use planning: spatial-temporal characteristics and novel approach—a case study in Jiangsu Province, China. *Environmental Science and Pollution Research*. <https://doi.org/10.1007/s11356-021-17764-0>.